# نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ورزشی

هشت صفحه ۵۰ تومان

شماره سی و پنجم یکشنبه ۱۶ اسفند ماه ۱۳۷۷


## رقابت مستقل‌ها و گروهها، چه کسی برنده شد؟!

نگاهی به نقش گروههای سیاسی و ائتلاف گروهها در انتخابات شورای اسلامی شهر بوشهر

## علی فروتن

مدیری که تنبیه بدنی را از مدارس بوشهر برچید

## مصاحبه با دکتر عباس متین‌فر

رئیس بخش تکثیر و پرورش مؤسسه تحقیقات شیلات ایران

متخصص بوشهری که می‌خواهد مروارید پرورش دهد

ناگفته‌های تاریخی در باب مدرسه سعادت

## روزنامه مظفری و مدرسه سعادت

خاطراتی از حمله متفقین به ایران

## «ماه منیر» و «لیلی» به تهران رفتند.

## سیمرغ شعر

به بهانه فرا رسیدن سالروز درگذشت مرحوم محمدرضا نعمتی‌زاده

## جناح راست در بوشهر فعال می‌شود!

## قتل ۴ نفر در کبگان و دستگیری قاتل



*به نام آنکه هستی نام از او یافت*

همشهریان عزیز و ارجمندم

حال که با لطف خود اینجانب را شایستهٔ خدمتگزاری قرار داده‌اید، وظیفه خود می‌دانم که از محبت، صمیمیت و مشارکت آگاهانه شما سپاسگذاری نمایم. امیدوارم که با همدلی و هم‌اندیشی شما شاهد شکوفایی و توسعه استان وشهرمان باشیم.

«با تشکر فراوان اله کرم (علی) پولادی ریشهری»

## جناب آقای حاج احمد گزی

انتخاب به حق و شایسته جنابعالی در شورای اسلامی شهر بوشهر را تبریک عرض نموده امید است در ظل توجهات ولیعصر (عج) با درایت و کاردانی که در وجود شما سراغ داریم، بتوانید همواره در راه توسعه و گسترش ورزش این شهر موفق و مؤید باشید.

«از طرف هیئت مدیره باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین بوشهر»

برادر عبدالحسین اکسیر فرماندار محترم شهرستان دیر

ارتحال پدر بزرگوارتان مرحوم حاج علی اکسیر از معتمدین و معاریف منطقه فاضل خیر و شهید پرور جم و از محبین و ذاکرین خاندان عصمت و طهارت به جنابعالی و خانواده و فامیل محترم صمیمانه تسلیت می‌گویم.

«حاج مصطفی دشتی»

# جناح راست در بوشهر فعال می‌شود..!

شنیده می شود که مدتی است جناح راست و مقابل دولت خاتمی، در حال تلاش برای فعال کردن نیروهای خود در استان بوشهر می‌باشد. گفته می‌شود که به همین منظور تاکنون چندین جلسه در شهر بوشهر برگزار شده و تصمیماتی نیز برای فعال کردن هواداران جناح راست گرفته شده است. در این راستا هفته پیش ده‌نمکی مدیر مسئول سابق هفته نامه شلمچه و سردبیر کنونی نشریه جبهه به بوشهر سفر نموده و در برازجان و بوشهر سخنرانی نمود. همچنین بعد از سفر رئیس جمهور به بوشهر، اطلاعیه‌ای از طرف گروهی ناشناخته بنام «جمعی از بسیجیان و یادگاران ۸ سال دفاع مقدس از استان بوشهر» در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر گردید. در این اطلاعیه درباره سفر حجت‌الاسلام خاتمی به بوشهر تذکراتی خطاب به ایشان داده شد از جمله آمده است: «آیا بهتر نبود مسئولین ستاد استقبال به نحوی برنامه‌ریزی نمایند که مردم در ابراز احساسات بجای کف زدن و سوت زدن و ... که باعث آزرده شدن خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگران گردید از تکبیر و صلوات که از شعائر اسلامی است استفاده می‌گردید؟ اگر جواب مثبت است فکر نمی‌کنید اگر این تذکر از سوی جنابعالی داده شود مؤثر واقع گردد و شأن اینگونه مراسمات حفظ گردد.» همچنین در این اطلاعیه از رئیس جمهور گلایه شده که چرا در کنار خلیج‌فارس که ناوگان امریکا در آن حضور دارد موضع‌گیری قاطعی درخصوص امریکا انجام نداده و کسانی را که خواب مذاکره با امریکا را می‌بینند، مأیوس نکرده است.

بعد از انتشار این نامه، استاندار بوشهر در جمع مدیران و مسئولین دستگاههای اجرائی استان، شدیداً این مسئله را محکوم نمود و در این رابطه گفت: « همین مردم در موقع قرائت قرآن، احساسات خود را با تکبیر و صلوات ابراز می‌کنند مشخص است که این رگه‌های حساسیت از کجا سرچشمه می‌گیرند.» البته مشخص نیست که این جمع مجهول از کجا متوجه شده‌اند که خانواده‌های شهدا و ایثارگران از ابراز احساسات مردم برای رئیس جمهور محبوب خود آزرده خاطر شده‌اند. چرا که بسیاری از کسانی که ابراز احساسات نمودند خود از خانواده شهدا و ایثارگران بودند، بهتر این است که در بحثهای جناحی از اعتبار خانواده شهدا و ایثارگران هزینه نگردد.

گفته می‌شود که تحرکات جدید جناح راست در بوشهر به منظور آماده‌سازی نیروهای خود برای انتخابات مجلس شورای اسلامی است که در اواخر سال آینده برگزار می‌گردد. جناح راست همواره از نداشتن پایگاه مردمی در شهر بوشهر در رنج بوده است و هم اکنون با تعویض برخی نیروها و وارد کردن نیروهای جدید غیربومی، سعی در برطرف کردن این ضعف دارد.

### دوره مهندسی تکنولوژی صید در بوشهر

دوره کارشناسی ناپیوسته مهندسی تکنولوژی صید و بهره‌برداری در مرکز آموزش عالی علوم و صنایع شیلاتی خلیج‌فارس از اواسط بهمن ماه آغاز شد. ظرفیت این دوره ۳۰ نفر می‌باشد که طی دو و نیم سال موفق به اخذ مدرک مهندسی می‌گردند.

# دهمین جلسه مجمع عمومی بوشهریهای مقیم مرکز

دهمین جلسه مجمع عمومی عادی بوشهریهای مقیم مرکز با حضور تعداد زیادی از هم استانیهای مقیم مرکز و با حضور نماینده بوشهر مهندس محمد خواجه‌پور در روز چهارم اسفند ماه در تهران برگزار شد. در این جلسه ،توسط هیئت مدیره گزارش پیشرفت کارهای انجام شده داده شد. آنگاه چند شعر به زبان محلی قرائت گردید وسپس پیشنهادات شرکت‌کنندگان مطرح گردید و در پایان مهندس محمد خواجه‌پور و مهندس شهریاری سخنانی ایراد نمودند. حضور تعداد قابل توجهی از دانشجویان گرمی خاصی به این جلسه داده بوده است.

### انتصاب روسای شبکهٔ بهداشت و درمان دشتی

طی احکام جداگانه‌ای از سوی جناب دکتر رستیمان سرپرست دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر، دکتر افشین شیرکانی به سمت سرپرستی شبکهٔ بهداشت و درمان شهرستان دشتی و دکتر بهادر اسماعیلی به سمت سرپرستی مرکز بهداشت شهرستان دشتی منصوب گردیدند.

### جوابیه آموزش و پرورش درباره مطلب «بانک به جای مدرسه»

در خصوص مقاله «بانک به جای مدرسه» ضمن تشکر از نویسنده محترم و همه عزیزانی که در امر فرهنگی استان احساس مسئولیت نموده و دارای حساسیت می‌باشند، ذکر چند نکته ضروری است. اول با قضایایی که بر این زمین رفته است مربوط به گذشته بوده و هیچیک از مسئولین فعلی استان اعم از (استانداری، شهرداری، مدیرکل و رئیس بانک سپه) نقشی در این جریان نداشته‌اند. هر چند اثرات موضوع به گونه‌ای است که جادارد مسئولین محترم توجه ویژه‌ای را عنایت نمایند. ثانیاً آموزش و پرورش استان خود نیز به این موضوع راضی نبوده و اعتراض خویش را به مراجع ذیصلاح ارائه نموده و پیگیر مراتب قانونی می‌باشد. ثالثاً شرح مختصر از این قرار است که زمین به شماره ۲۱۲ جنب نیروی مقاومت سپاه پاسداران ناحیه بوشهری (بسیج مرکزی) اداری کاربری آموزشی بوده و مدرسه نیز طی چند سال در آن دایر بوده است زمین مذکور در اختیار بنیادمستضعفان قرار داشته که باتوجه به قیمت بالای زمین، آموزش و پرورش قادر به پرداخت بهاء نبوده و از طرفی با پیگیریهای فراوان که اسناد آن موجود است امید داشته است که با توجه به کاربری آموزشی و سابقه آموزشی و انتظار که از بنیاد مستضعفان می‌رفته است موضوع به نفع آموزش و پرورش و دانش‌آموزان بوشهر حل گردد. لیکن متأسفانه بنیاد اقدام به فروش زمین به بانک سپه نموده و از آن پس سر کار آموزش و پرورش با بانک سپه افتاده است. بانک مذکور به هیچ وجه حاضر به توافق با آموزش و پرورش نشده است و با طرح نمودن درکمیسیون ماده ۵ و با حمایت شهرداری که عایدی مناسبی نیز از قبیل این تغییر کاربری کسب نموده است بدون گرفتن نظر آموزش و پرورش و بدون حضور نماینده آموزش و پرورش بصورت غیرقانونی اقدام به چنین کاری نموده که پس از بررسیهای به عمل آمده معلوم شد که تنها ۱۹۸۰ متر کاربری شده است لیکن مسئولین محترم بانک با هماهنگی عزیزان شهرداری قطعه‌ای را تغییر کاربری داده‌اند که عملاً از مابقی زمین نیز به هیچ وجه جز بانک کسی نمی‌تواند استفاه نماید. ضمناً در مقاله مذکور اشاره به کارگاه هنرستان آزادگان نیز شده بود که به عرض می‌رساند به هیچ وجه این کارگاه بخشیده نشده است و با پیگیریهای اداره کل آموزش و پرورش حمایت قاطع استاندار ارجمند و قول مساعد شهردار محترم انشاءاله به زودی سالن کارگاه مذکور به آموزش و پرورش بازگردانده خواهد شد.

# دستگیری حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور توسط دادگاه ویژه روحانیت

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور در هفته گذشته توسط دادگاه ویژه روحانیت دستگیر شد. دستگری کدیور که از اندیشمندان و محققان فعال جوان حوزه است، اعتراض وسیعی را در سطح جامعه برانگیخت.

افکار عمومی دستگیری کدیور را به سبب بیان عقاید و اندیشه‌های وی دانست و خواستار آزادی وی شد. کدیور به اتهام «تشویق اذهان عمومی»، «تضعیف نظام» و ... بازداشت شده است ولی صاحبنظران معتقدند که وی به جهت بیان اندیشه‌هایش بازداشت شده است.

حجت‌الاسلام کدیور به جریان اصلاح‌طلب و نواندیش دینی تعلق دارد و دستگیری او باعث اعتراض جمعی از روحانیون برجسته، روزنامه‌نگاران، دانشجویان و عده‌ای از طرفداران رئیس‌جمهور شد.

اقدام دادگاه ویژه روحانیت در بازداشت یکی از فعالترین محققان اسلامی، بار دیگر بحث درباره قانونی بودن آنرا در جامعه مطرح نمود.

کدیور در قبل از دستگیری در مصاحبه‌ای با روزنامه صبح امروز گفته بود: «من هر چه نوشته‌ام در جهت تقویت نظام بوده است. منتها در اینباره که نظام جمهوری اسلایمی از چه راههایی تقویت یا تضعیف می‌شود، اختلاف‌نظر وجود دارد. نظام از راه تملق‌گوئی و تعریف صرف از عملکرد و سیاستهای دولت تقویت می‌شود یا از راه نقد همدلانه، ارائه راه‌حل برای مشکلات و معضلات نظری و عملی؟ نظام از راه حضور گسترده مردم و مشارکت سیاسی آنها تقویت می‌شود یا از راه حذف مردم از عرصه سیاست؟

# قتل ۴ نفر در کبگان و دستگیری قاتل

به گزارش منطقه انتظامی دشتی در ساعت ۱۲ روز جمعه مورخ ۷۷/۱۱/۳۰ در پی اطلاع مردمی به پاسگاه زیارت ساحلی مبنی بر اینکه اعضاء یک خانواده در منزلشان مورد هجوم فردی شرور قرار گرفته و قتل عام گردیده‌اند، مأمورین بلافاصله با هماهنگی و تحت امر فرماندهی منطقه در محل وقوع حادثه، (روستای کبگان) حاضر و مشاهده می‌نمایند چهار تن از اعضاء یک خانواده بنام‌های : ۱ـ خدارحم اوژن، فرزند حسن، ۴۰ ساله ۲ـ حسین اوژن فرزند عباس، ۷۵ ساله ۳ـ صدیقه محمودی فرزند ابراهیم، ۳۵ ساله ۴ـ امرالله خدری فرزند قاسم، ۳۵ ساله مورد هجوم واقع شده و در خون خویش غوطه‌ورند که بی‌درنگ بوسیله خودرو سازمانی پاسگاه مجروحین را به سوی بیمارستان خورموج حرکت می‌دهند، ولی متاسفانه بعلت شدت جراحات وارده و تعدد ضربات کارد همگی جان سپرده و فوت می‌نمایند.

بعد از این جریان مأمورین پاسگاه با هوشیاری کامل و تدابیر امنیتی لازم ضمن محاصره روستا در حداقل زمان ممکن و در کمتر از نیم ساعت قاتل را که فردی است بنام حسن و در حال فرار بوده دستگیر و تحویل مقامات قضایی می‌دهند. سرعت عمل و تلاش ماموران نیروی انتظامی در دستگیری قاتل جای تقدیر و تشکر دارد.

### روزشمار هفته منابع طبیعی

از ۱۵ الی ۲۱ اسفند ماه سالجاری مصادف است با گرامیداشت هفته منابع طبیعی و روز ۷۷/۱۲/۲۰ روز منابع طبیعی و رسانه‌های جمعی نامگذاری شده، روزشمار این هفته به این شرح است :

روز ۷۷/۱۲/۱۶ روز منابع طبیعی، حفاظت و پایداری طبیعت ـ ۷۷/۱۲/۱۷ روز منابع طبیعی و آبخیزداری ـ ۷۷/۱۲/۱۸ روز منابع طبیعی، رسانه‌ها و سازمانهای غیردولتی ـ ۷۷/۱۲/۱۹ روز منابع طبیعی و جوانان ـ ۷۷/۱۲/۲۰ روز مرتع و بیابان زدایی ـ ۷۷/۱۲/۲۱ روز جنگلداری و توسعه فضای سبز

# از نسیم شمال تا نسیم جنوب

نسیمی کز جنوب کشور آمد — مرا خوشتر زبوی عنبر آمد
رسید از عالم غیبی سروشی — به دل شور و نشاط دیگر آمد
به هر برگی حکایت از غمی داشت — بهر سطری هوایی در سر آمد

## به مناسبت اولین سالگرد انتشار هفته‌نامه نسیم‌جنوب در بوشهر

# نشست دست‌اندرکاران، نویسندگان، خوانندگان و علاقمندان «نسیم‌جنوب»

**زمان: ۷۷/۱۲/۲۰ ساعت: ۷ بعدازظهر**

**مکان: مجتمع فرهنگی بوشهر (پشت هتل دلوار، کنار خانه جوان)**

### برادر حاج محمد دمشقی سردار سپاه اسلام

انتساب شایسته شما را بعنوان عضو شورای اسلامی شهر بوشهر تبریک می گوئیم

«هادی توکلی، اکبر چوبدار، عبدالحسن پرتویی، خانواده باغوئی، اصغر جلالی»

### برادران گرامی حاج عبدالرحمن تنگستانی، حاج احمد دوانی و حاج محمد دمشقی

اکنون که با مدد الهی و اعتماد مردم توفیق یافتید تا خواسته‌های درونی خود یعنی خدمت صادقانه به مردم را تحقق بخشید از ایزد منّان صمیمانه و عاجزانه طلب توفیق شما در خدمت به مردم شریف بندر بوشهر را دارم. «حاج یوسف نصوری»

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

بدینوسیله مراتب تشکر و سپاس خود را به کلیه همفکران ، همکاران فرهنگی، هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی استان، دانشجویان و همه شهروندان عزیزی که در انتخابات شورای شهر بوشهر، با رأی اعتماد خود به اینجانب، افتخار داده‌اند، تقدیم داشته، ضمن آرزوی توفیق و سرافرازی برای همگان، امید است که با عنایات حق متعال و بهره گیری از انفاس قدسی آزاداندیشان، عدالتخواهان و حق‌طلبان، بتوانم در کسوت شریف معلمی و در سنگر رکن چهارم جامعه مدنی (مطبوعات مستقل) در حد توان فکری خود، ادای دین و وظیفه نمایم. شاد و پیروز باشید

«خلیل موحد»

مردم فهیم و قدرشناس شهر بوشهر

اینک که با استعانت از درگاه احدیت و نیز همراهی و همدلی شما مردم عزیز و همیشه در صحنه انتخابات شورای اسلامی شهر با موفقیت و درکمال شکوه و امنیت برگزارگردید مراتب تقدیر و سپاس خود را از حضور پرشور و ارزشمند همشهریان در صحنه انتخابات و همچنین برگزیدن اینجانب بعنوان یکی از خدمتگزاران در جایگاه شورای اسلامی شهر و امانتدارای مردم عزیز ابراز داشته و از خدای منان توفیق انجام رسالتی راکه بر دوش خویش احساس می‌کنم مسئلت نمایم.

اینجانب آمادگی خود را برای استفاده از رهنمودها، نقطه‌نظرات و پیشنهادهای شما امت شهیدپرور و نجیب بوشهر اعلام می‌دارم. بار دیگر حضور مشتاقانه اقشار مختلف مردم اعم از خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، رزمندگان اعم از فرهنگیان، دانشگاهیان دانش آموزان، ورزشکاران، هنرمندان، کسبه و بازاریان، صیادان و ... صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

«هرگز نمی‌میرد. آنکه دلش زنده شد به عشق — ثبت است در جریده عالم دوام ما»

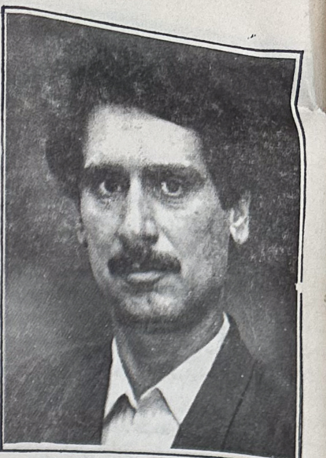
منتخب شما مردم ارجمند در شورای اسلامی شهر بوشهر ـ **محمد دمشقی**

## مصاحبه با دکتر عباس متین‌فر

### رئیس بخش تکثیر و پرورش مؤسسه تحقیقات شیلات ایران

# متخصص بوشهری که می‌خواهد مروارید پرورش دهد

مصاحبه از پرویز هوشیار



□ شما به عنوان متخصص در پرورش میگو و مروارید، ممکن است قدری از خود برایمان بگوئید.

● در محله بن مانع (بوشهر) متولد شده، و دوران تحصیل را در دبستان مهران (سنگی) و دبیرستان سعادت گذرانده‌ام. از دانشگاه شیراز لیسانس گرفته، و در حال حاضر رساله دکتری خود را در زمینه ساختار جمعیتی میگوی خلیج‌فارس می‌گذرانم.

□ چند سال است که در فعالیت تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف علوم و صنایع شیلاتی اشتغال دارید؟

● حدود ۲۰ سال است که به فعالیت تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف علوم و صنایع شیلاتی اشتغال داشته، و در پروژه‌های مختلفی بعنوان مجری، همکار و مشاور فعالیت داشته، و پروژه‌های بسیاری را کنترل و نظارت نموده‌ام.

□ در این زمینه چه مسئولیتهائی داشته‌اید؟

● مسئولیتهای متعددی داشته‌ام که شامل ریاست مرکز تحقیقات شیلات بوشهر، سرپرستی مرکز تحقیقات شیلات بندرعباس، مدیریت طرح مروارید و ریاست مرکز تحقیقاتی نرم‌تنان خلیج‌فارس و...

□ در حل حاضر چه مسئولیتی دارید؟

● در حال حاضر رئیس بخش تکثیر و پرورش مؤسسه تحقیقات شیلات ایران می‌باشم.

□ چه سالی به پرورش میگو روی آوردید؟

● در سالهای ۶۴-۱۳۶۲ سرپرستی تیم تحقیقاتی تکثیر و پرورش میگو را عهده‌دار بوده، و برای اولین بار عملیات تکثیر و پرورش میگو را انجام دادا...

کتب و مقالات متعددی را تألیف و ترجمه نموده و در کنفرانسهای مختلف ملی و بین‌المللی حضور داشته‌ام.

□ صید مروارید سابقه‌ای دیرینه دارد اما پرورش مروارید امری است جدید. ممکن است گفتگو را در این زمینه پی بگیریم.

● در گذشته نه چندان دور (قبل از استخراج نفت در خلیج‌فارس)، صید و تجارت یکی از محورهای اصلی اشتغال و اقتصاد در خلیج‌فارس بوده، و بنادر بوشهر، لنگه و بحرین از مراکز مهم تجارت مروارید بوده‌اند.

سختی فراوان و خطرآفرین بودن حرفه غواصی (سنتی)، توسعه فعالیتهای صنعتی و تولیدی و افزایش باراًلودگی نفتی و شهری در خلیج‌فارس از یکسو، و توسعه تکنولوژی تولید مروارید پرورشی در ژاپن از سوی دیگر، عوامل اصلی افول صید و تجارت مروارید در خلیج‌فارس می‌باشند. به نحوی که در حال حاضر ذخائر ارزشمند صدفهای مرواریدساز در اکثر زیستگاههای سنتی خلیج‌فارس نابود گردیده، و تنها بخشهای کوچکی در بسترهای سخت یا صخره‌ای درسواحل و اطراف بنادر و جزایر خلیج‌فارس آخرین بقایا و نسلهای دُرّ غلتان زیست می‌نمایند. اکنون فقط تعداد معدودی غواص سنتی در جزایر لاوان، هندورابی و بنادر مقام و نخیلو، تابستانها به صید صدف و استحصال مروارید طبیعی می‌پردازند، و حاصل تلاش سخت خود را در بازار امارات به فروش می‌رسانند.

بررسی‌های انجام شده وجود ذخائر صدف مرواریدساز در اطراف جزایر خارک و خارکو، فارسی، راس نایبند را در استان بوشهر نشان داده است، اما بازده اندک مروارید طبیعی، بهره‌برداری از این ذخایر را سودآور نشان نمی‌دهد، و اصولاً با ذخائر آسیب‌پذیر صدفها بایستی با احتیاط کامل مواجه گردید.

□ هم اکنون پروژه شما در رابطه با پرورش مروارید در چه مرحله‌ای است.

● بطور کلی سه نوع صدف مرواریدساز در خلیج‌فارس شناسائی گردیده که شامل صدف لب سیاه، صدف زنّی و صدف محار می‌باشد. ذخائر صدف ارزشمند لب سیاه آسیب جدی دیده است، و ضرورت دارد جهت جلوگیری از انقراض نسل آن اقدامات اساسی جهت حفاظت و بازسازی ذخائر آن از طریق تکثیر و رها سازی صورت پذیرد.

صدف زنّی قابلیت تولید مروارید خوب غلتان را ندارد، و صدف محار (صدف کوچک) ذخائر نسبتاً قابل توجه‌ای دارد، که بیشتر مروارید پرورشی جهان از این صدف بدست می‌آید. قبل از انقلاب اسلامی تلاشهایی جهت تولید مروارید از صدف لب سیاه در جزیره کیش انجام شده، که اطلاعات زیادی از نحوه فعالیتها در دست نیست، اما ظاهراً بروز اختلاف بین مسئولین جزیره و شرکت خارجی تولیدکننده مروارید سبب گردیده که مسئولان شرکت مرواریدهای تولیدی را برداشته و با خود ببرید، و بدین ترتیب فعالیتهای تولید مروارید عقیم مانده است.

در حال حاضر طرح تولید مروارید پرورشی به لحاظ عدم حمایت دولت، و از طرفی به لحاظ وجود اولویتهای دیگر مثل تکثیر و پرورش میگو، رونقی نداشته و فعالیت در حد پروژه‌های تحقیقاتی صورت می‌گیرد.

□ آیا در این رابطه از متخصصین خارجی نیز بهره می‌برید؟

● در گذشته جهت انتقال فن‌آوری هسته گذاری صدف در سالهای ۶۴-۱۳۶۳ از کارشناسان استرالیایی و درسال ۱۳۶۷ از کارشناسان هندی استفاده گردیده است.

□ بعنوان یک ناشر نظرتان نسبت به چگونگی نشر بویژه آثار کودکان چیست؟

● همسر اینجانب به عنوان ناشر فعالیت دارند، وکتابهایی در سطح کودکان، نوجوانان و جوانان منتشر می‌نمایند. من هم به عنوان همراه ایشان باید بگویم متأسفانه تولید کتاب نیز مثل بسیاری فعالیتهای تولیدی دیگر در کشور، شرایط مطلوبی ندارد، و نویسندگان و ناشران از زحمات خود راضی نمی‌باشند.

□ شما در زمینه نشر کتاب نیز فعال هستید، نظرتان در رابطه با ادبیات کودک چیست و چه کسانی در عرصه ادبیات کودک در ایران می‌پسندید؟

● باید دعا کرد که شرایط مطلوب تولید کتاب ارزان فراهم شود، یا اینکه شرایط اقتصادی بنحوی تنظیم شود که خانواده در سبدهزینه‌های خود سهمی نیز برای خریدن کتاب، و وقتی را برای خواندن کتاب اختصاص دهند.

در خاتمه اینکه تمام نویسندگان خوبی که به زبان کودکان و جوانان ایرانی، مناسب با فرهنگ ملی و مذهبی کودکان ما می‌نویسند، و سعی در ارتقاء سطح دانش و فرهنگ امیدهای آینده این مملکت را دارند. بهترین نویسندگان جهان هستند.

## لزوم توجه به آثار باستانی گناوه

● اسماعیل علی‌پور - گناوه

آثار باستانی در هر منطقه‌ای نشان‌دهندهٔ فرهنگ و هویت آن منطقه می‌باشد که از نسلهای قبل و اجداد ما به ارث رسیده است تا بدانیم ما کی هستیم و کجا ایستاده‌ایم.

هر اندازه بیشتر در حفظ و مرمت این آثار کوشا باشیم به همان اندازه هم باعث افزایش اهمیت خود و به تبع منطقهٔ خود از بعد فرهنگی شده‌ایم.

آدمها می‌آیند و می‌روند و چیزی که باقی می‌ماند یکی نام نیک است و دیگر آثاری است که از آنها بر جای می‌ماند. این آثار ممکن است مکتوب باشد یا غیرمکتوب؛ آثار مکتوب عبارت است از اندیشه کتابت شده که در جای خود مهم می‌باشد، اما نوع دیگر که مورد نظر ماست آثار غیرمکتوب است مانند معماریها و محلهائی که در آنها حوادثی رخ داده و به همین دلیل مهم می‌باشند و جزئی از تاریخ این منطقه محسوب می‌شوند.

بر ماست که از این آثار نگهداری کرده وآنها را صحیح و سالم به نسلهای آینده بسپاریم تا خدای نکرده مورد سرزنش آنها واقع نشویم، به طور حتم آیندگان آنها را از ما خواهند خواست. از ظهر گناوه هم مانند دیگر شهرها خواه ناخواه آثاری بر جای مانده که هر یک قسمتی از تاریخ این منطقه را روشن می‌کنند. تل‌گوری زادگاه ابوسعید جنابی و پسرش سلیمان می‌باشد. نام این شخص در کتابهای تاریخی بیشماری آورده شده است و همانطور که می‌دانیم رئیس فرقهٔ قرمطیان بحرین بوده است و چنان فرد مقتدر و مظلوم‌پرستی بوده که خلفای عباسی با شنیدن نام او لرزه بر اندامشان می‌افتاده است، اما متأسفانه از زادگاه ایشان به جز نامی هیچ چیز باقی نمانده است. از دیگر آثار تاریخی بندر گناوه، تل مناره، بتون، تل امامزاده، تل گنبد، امامزاده سلیمان و... می‌باشد که متأسفانه آنها هم حکایتی مانند تل‌گوری دارند. (به جز این آخری امامزاده سلیمان که آن هم به دلیل امامزاده بودنش حفظ شده) از آنها چیزی باقی نمانده است و اثر آنها می‌رود که برای همیشه از صحنهٔ تاریخ این منطقه حذف [illegible]. لذا عاجزانه از مسئولان امر تقاضا داریم که نسبت به [illegible] و مرمت آثار باقی مانده توجه کافی مبذول فرمایند تا [illegible] اکرده مورد طعن و سرزنش آیندگان قرار نگیریم.

## وضعیت نامطلوب توزیع نشریات در شهرستان دشتی

# چرا اینگونه است؟!

داریوش رزمی

گرچه مدتی است که از دوم خرداد می‌گذرد و پیام آن به دلیل کثرت استعمال برای عده‌ای ملال‌آور گشته است و شاید عده‌ای را نیز خوش نیاید، اما امید می‌رود که عنوان نمودن پاره‌ای از وجوه آن پیام مردمی، آن عده و نیز ما را بیدار سازد (انشاءالله). یکی از وجوه پیام مردمی دوم خرداد توسعه فرهنگی است با تمام لوازمات آن که در اکثر موارد نفی یکی از اصول مساوی است با نفی تمام اصول آن و هکذا در وجوه دیگر.

در طی مدتی که از دوم خرداد گذشته است موجهای مطالبات مردمی، و تلاش در جهت ستاندن آنچه که حق مردم است در استان بوشهر اعم و در شهرستان بوشهر بطور اخص نمودی نداشته است. دراین میان قصهٔ وجود نهادهای واسط بین مردم و حاکمیت اعم از نهادهای مستقل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی برا یمان قصهٔ غریبی است و مطبوعات که از آن به عنوان رکن چهارم دمکراسی و جامعهٔ‌مدنی یاد می‌شود گرچه به همت عده‌ای براست منتها آن هم مشکلات خاص خود را دارد که بماند.

آنچه در این مقال می‌آید چیز دیگری است و آن عرضهٔ نامطلوب نشریات در سطح شهرستان دشتی است که به پاره‌ای از آن اشاره می‌کنیم و پس از آن چندنتیجه گیری:

از روزنامه‌های آریا، صبح امروز، جهان اسلام خبری نیست، روزنامهٔ خرداد تنها به تعداد مشترکین موجود است و نه بیشتر. روزنامهٔ سلام به عنوان روزنامهٔ صبح، باید فردای روز چاپ و آن هم عمدتاً بعدازظهر تهیه میگرددهفته‌نامه‌های پیام هاجر، ابان و عصر ما حکایت شیر مرغ را در اینجا دارند. مجله‌های گوناگون، ایران فردا و پیام امروز و کیان نیز محلی از اعراب ندارند. و به این لیست باید به نشریات مرحوم اشاره کرد که ما در سطح شهرستان دشتی ندیدیم از جمله هفته‌نامه راه نو، ماهنامه جامعه سالم‌و روزنامه‌های جامعه و توس (رحم الله) حال نتیجه‌گیری: این چه حکایتی است که در این شهرستان نشریاتی که روند جنبش دوم خرداد را تسهیل می‌نمایندو به شدت در جهت بسط خواسته‌های جامعه مدنی گام برمی‌دارند، فراموش می‌شوند. منتها نشریات دیگری که قلیل مشتریانی دارند و درواقع موانع جدی فرهنگی و فکری جنبش دوم خردادند به وفور یافت می‌شود گرچه آنها نیز باید باشند. فرماندار محترم شهرستان و نیز مسئولان اداره فرهنگ و ارشاد استان و شهرستان در این زمینه تا به حال اندیشیده بوده‌اند که چگونه است طیف خاصی از نشریات در شهرستان دشتی بایکوت می‌شود و مابقی که تماماً تیراژ پائینی دارند و داعیه‌داران ضدیت با جنبش جامعه مدنی‌اند به راحتی در دسترس است؟ گرچه پاسخ به این سؤالات راگذشت زمان و نیز همت مسئولین در جهت رفع موانع، عرضهٔ نشریات خواهند داد اما شرح آنچه رفت واقعیتی تلخ بود که باید گفته می‌شد.

# علی فروتن

## مدیری که تنبیه بدنی را از مدارس بوشهر برچید

به کوشش سیامک برازجانی

از سال ۱۳۲۸ به بعد دیگر آلات تنبیه بدنی از مدارس بوشهر برچیده و نظام نوین دوستی و مدارا جانشین سیستم سنتی آموزش شد. بانی این امر ناظم و مدیر سابق دبستان سعادت، آقای علی فروتن بود. بی‌شک بخش عمده‌ای از اعتبار آموزش و پرورش بوشهر از ایشان است. چون اگر ایشان نبودند دبستانی که اکنون به نام دبستان سعادت و قبلاً با نام دبستان ملی سعادت خوانده می‌شد اعتباری نداشت و امروز کسی از آن به عنوانی یکی از بهترین دبستانهای شهر یاد نمی‌کرد و اولاد خود را به آنجا نمی‌فرستاد. از اینرو اعتبار آموزش و پرورش و نظام نوین اداره مدرسه در بوشهر و بعبارتی کل کشور مدیون افرادی چون آقای فروتن است.

آنچه در زیر می‌آید گفتگوی کوتاهی است که با این عزیز انجام داده‌یم:

□ لطفاً خودتان را معرفی کنید.

● به نام خدا. علی فروتن هستم. متولد سوم مهرماه ۱۳۰۷ خورشیدی از بوشهر که از سال ۱۳۲۸ خورشیدی وارد آموزش و پرورش شدم و ۳۲ سال خدمت کردم.

□ شیوه اداره مدرسه در زمان تحصیلی شما چگونه بود که بعدها شیوه نوینی را در این اداره پایه‌گذاری کردید؟

● در زمان تحصیل ما مدارس به شیوه نوین و خوبی اداره نمی‌شد. شیوه اداره مدرسه خیلی قدیمی بود و گاهی اوقات با تنبیهات بدنی هم همراه بود (البته به آن شیوه زجرآور) ضمناً اولیاء و مربیان افراد تحصیل کرده‌ای نبودند. اما خدمت من در آموزش و پروش همراه با مدارا بود. ما دانش‌آموزان را از طریق مختلف هدایت می‌کردیم و دانش‌آموزان هم از هدایتهای ما متنبه می‌شدند به نحوی که اگر روششان غلط و کارشان اشتباه بود آن کار راکنار می‌نهادند و خودشان را تصحیح می‌کردند.

□ آیا معلمان قدیمی با روش شما موافق بودند؟

● من تقریباً ۵۰ سال قبل وارد آموزش و پرورش بوشهر شدم آن زمان هم معلمین کم معلومات و قدیمی بسیار انگشت‌شمار بودند. آنهایی هم که بودند پی بردند که باید روش‌شان را تصحیح کنند و خود را با روش جدید منطبق دهند.

□ آیا در زمان خدمت در آموزش و پرورش تدریس هم می‌کردید؟

● من زمانی که مدیر هم بودم تدریس می‌کردم. قبل از آن هم اگر معلمی دیر می‌آمد کلاسش را اداره می‌کردم.

□ در چه کلاسهایی تدریس می‌کردید؟

● کلاس پنجم و ششم قدیم.

□ در چه مدارسی؟

● دبستان ملی سعادت، دبیرستان سه کلاسه بوذرجمهر سعادت (که الان از بین رفته) و مدرسه راهنمائی شهید پاسدار.

□ از همکاران قدیمی‌اتان چه کسانی را به یاد می‌آورید؟

● در دوره دبستان آقای شیرخان رئیسی و مرحوم حسن مظلم.

□ شاگردان قدیمی‌اتان چطور؟

● آقای حسن برازجانی، آقای خواجه‌پور، آقای ندیمی‌بوشهری، آقای تیمور فقیه، آقای غلامرضا محمدعلی‌پور، آقای دکتر کازرونیان و آقای حاجی‌نژاد.

□ آیا محصلین‌تان هنوز هم به سراغ شما می‌آیند؟!

● خیلی کم. نه! ما را فراموش کرده‌اند. یعنی خوب روزگار و زندگی ایجاب می‌کند دیگه...

آنها صاحب زن و فرزند شده‌اند. حتی بعضی‌هایشان هم بازنشسته شده‌اند. بعضی هم به مقامات بالایی رسیده‌اند و ما هم دیگه شکسته شده‌ایم، پیر و از کار افتاده شده‌ایم. بخاطر کهولت هم کمتر در جامعه حاضر می‌شویم.

□ آیا حاضرید باز هم به تدریس مشغول شوید؟

● نه... به علت اینکه من الان سنم از هفتاد سال متجاوز شده و به دو مرض عمده هم دچار شده‌ام، یکی از کارافتادگی فکها و دیگر ناراحتی قلبی مزمن که دکتر بخاطر اینها، گفته که من دیگر قادر به حرکت نیستم.

□ اگر بخواهید مقایسه‌ای بین دانش‌آموزان قدیم و جدید داشته باشید چه می‌فرمائید؟

● والله من اعتقاد دارم که دانش‌آموزان قدیم خیلی خوب، با انضباط‌تر و خیلی باسوادتر بودند. با اینکه الان آموزش و پرورش جدید بسیار بهتر از گذشته است اما قدیمی‌ها به درس خواندن ایمان داشتند، چون اخلاق بهتری داشتند، چون انضباط و نظم داشتند، طرز برخوردشان با اولیاء مدرسه و با معلمین بهتر بود و در یادگیری و تعلیم و تربیت پیشرفت بهتری داشتند.



□ در آخر لطفاً خاطره‌ای از زمانی که مدیر بودید برای خوانندگان نسیم‌جنوب تعریف کنید.

● من در عین حالی که سعی می‌کردم از طریق صحیح با دانش‌آموزان رفتار کنم اما همواره طوری برخورد می‌کردم که دانش‌آموزان از من حساب ببرند. یادم می‌آید پس از ۲۵ - ۳۰ سال، روزی یکی از دانش‌آموزان قدیم به سراغم آمد وگفت: آقا یادت می‌آید صبحهای شنبه که به دبستان سعادت می‌آمدی پای صف می‌ایستادی و می‌گفتی که من دیروز عده‌ای از دانش‌آموزان را دیده‌ام که با پای برهنه در کوچه‌ها گلوله بازی می‌کردند، تا من آنها را از صف بیرون نیاورده‌ام خودشان از صف بیرون بیاند. ما هم سرمان می‌انداختیم پائین و می آمدیم بیرون. شما چطور ما را می‌دیدی. در صورتی که ما روزهای جمعه مشغول گلوله‌بازی بودیم، تعدادی از بچه‌ها را سرکوچه می‌گذاشتیم تا اگر شما را دیدند به ما اطلاع دهند تا فرار کنیم. گفتم: والله من هیچ گاه سعادت نداشتم روزهای جمعه در کوچه‌ها راه بیافتم و ببینم که کدام یک از دانش‌آموزان در کوچه گلوله‌بازی می‌کند یا با پای برهنه بوده یا خلافی مرتکب شده. این شگرد کار من بود. من جمعه‌ها در خانه بودم و شنبه‌ها از این شگرد استفاده می‌کردم. شما هم می‌ترسیدید و از صف بیرون می‌آمدید. او خندید و گفت اما همین کار باعث می‌شد که دیگر گلوله‌بازی نکنیم.

# ☺☺تئوری طنز☺☺

● محمدحسن آرش نیاء

با آنکه طنز نویسی یکی از انواع ادبی است که سابقه‌ای طولانی در ادبیات ایران دارد و به هر صورت نظم و نثر آثار فراوانی از این نوع بجای مانده است اما تاکنون در نقد آن تجزیه و تحلیل مبسوطی صورت نپذیرفته. لذا تنها با مطالعه و تحقیق در آثار فراوانی که از منابع داخلی و خارجی موجود است می‌توان به لطایف و دقایق این هنر ظریف پی برد.

طنز با آنکه قسمتی از اقسام هجو می‌باشد اما با هجو تفاوت بنیادی دارد زیرا مبنای هجو خصومت فردی و نکوهش همراه با صراحت بیان می‌باشد و در آن ادب و نرمی و ملایمت کلام کمتر رعایت می‌شود. اما طنز بیشتر به قصد اصلاح مفاسد اجتماعی و تهذیب اخلاق انسانی نوشته می‌شود و از اینرو لازم است طنزنویس رعایت این شئونات را نموده و از غلتیدن در ورطه هجو خود را مصون نگاه دارد.

نمونه‌های زیبائی از طنز در شعرهای مولوی، حافظ، سعدی و ... وجود دارد که برای مثال چند نمونه از این نوع از حافظ در زیر می‌آوریم.

حافظ در تعریض به امیر مبارز الدین شاه متظاهری که به علت سختگیری‌هایش در اجرای احکام به او لقب محتسب داده بودند و علیرغم اینکه باده نوشی را برای مردم به شدت منع می کرد خود در نهان به آن مبادرت می‌ورزید می‌گوید.

«حافظ طریق رندی از محتسب بیاموز
مست است و در حبق او کس این گمان ندارد»

و یا با اشاره به عماد فقیه زاهد و شاعر عهد امیر مبارزالدین و شاه شجاع که گویا به جهت عوام فریبی گربه‌ای ترتیب کرده بود بطوری که چون وی نماز می‌گذارد گربه بدو اقتدا می‌کرد و همین مورد توجه خلق و از جمله شاه شجاع بود تبعریض می‌گوید:

صوفی نهاد و دام سرحقه باز کرد
آغاز مگر با فلک حقه باز کرد
بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه
زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد.
ای کبکخوش خرام کجا می‌روی؟
بایست غره مشو که گربه عابد نماز کرد.

و یا به طنز در پاسخ شاه نعمت‌الله ولی و صوفی بزرگ عصر تیموری در کرمان که در یکی از شعرهایش مدعی شده بود: «ما خاک را به نظر کیمیا کنیم.» آورده است:

آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند
آیا شود که گوشه چشمی بما کنند

در نظم کتاب گربه و موش نیز نمونه خوبی است از طنز که در آن عبید زاکانی شرحی تمثیلی از آمدن امیر مبارزالدین و فتح شیراز و رواج ریا و سالوس ارائه داده است.

در نثر گلستان سعدی و جوامع الحکایات عوفی نمونه‌های خوبی هستند از طنز حکایتی از گلستان سعدی برای نمونه در زیر می‌آوریم.

«حکایت: مردی را چشم درد خواست پیش بیطار رفت که دواکن بیطار از آنچه در چشم چارپایان می‌کند در دیده او کشید و کور شد حکومت به داور بردند گفت بر او هیچ تاوان نیست اگر این خر نبودی پیش بیطار نرفتی.»

در ادبیات معاصر نیز طنزنویسان بزرگی در این زمینه آثار ارزشمندی از خود بجای گذاشته‌اند از جمله طنزهای اجتماعی ایرج پزشک‌زاد، چرنده و پرند علی‌اکبر دهخدا و دارالمجانین جمالزاده و...

و اما در بوشهر و در حال حاضر سه نمونه در نشریات به شرح زیر مطرح است

۱ ـ طنزی که قوت آن هم مبتنی بر لفظ است و هم مبتنی بر معنی «سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به بوشهر در نسیم جنوب»

۲ـ طنزی که قوت آن مبتنی بر لفظ است. «پیرزن منگ منگو در آئینه جنوب»

۳ـ طنزی که قوت آن مبتنی بر معنی است «عمو نجف در پیام جنوب»

> **طنز با آنکه قسمتی از اقسام هجو می‌باشد اما با هجو تفاوت بنیادی دارد زیرا مبنای هجو خصومت فردی و نکوهش همراه با صراحت بیان می‌باشد و در آن ادب و نرمی و ملایمت کلام کمتر رعایت می‌شود، اما طنز بیشتر به قصد اصلاح مفاسد اجتماعی و تهذیب اخلاق انسانی نوشته می‌شود**

هماهنگونه که اشاره شد چون طنزنویس بعنوان یکی از انواع ادبی محسوب می‌شود نویسنده طنز باید در چگونگی آن معرفت و شناخت مناسب داشته و اصول و موازین آن را تا آن حدی که در آثار طنزنویسان بزرگ مشخص گردیده رعایت نماید تا مرز و محدوده آن تجاوز نکرده و وارد قلمرو دیگری که مغایر با ماهیت طنز است نشود و اگر هم از جهت فنی و از لحاظ موازین لغوی و بلاغی ضعیف است از جهت قوت و تأثیری که در اذهان و افکار دارد قوی و پرمایه باشد.

یکی از وظایف طنز این است که بین خواننده و موضوعات مختلف اخلاقی، اجتماعی و .. که خواننده ملتفت برخی از جوانب آنان نیست رابطه ایجاد کرده و با بکارگیری لطائف و ظرایف و دقایقی که در محدوده هنر قابل رؤیت هستند توجه او را به آن جوانب معطوف دارد. از اینرو طنزنویس باید با تعمق و دقت در موضوع انتخابی خود مطالعه کرده و جایگاه معایب و محاسن آن را بد رستی درک کند و بخصوص در شناختهای خود از موضوع رعایت تناسب و هماهنگی را بنماید.طنزنویس نباید جنبه‌های مختلف موضوع را تنها با محک و مقیاس اخلاقی خود بسنجد و در موضوع فقط آن جنبه‌ای را که موافق آن نیست مورد طنز قرار دهد چون از این طریق مطمئناً به گزافه گوئی و تعصب دچار خواهد شد و نیک و بد را با میزان حب و بغض و مناسبات شخصی وزن خواهد نمود و بر مبنای مدارکات ذهنی خود بین افراد مختلف که دارای عیوب مشترک هستند تنها شخصی را موضوع طنز قرار خواهد داد که:

۱ـ یا با وی حساب و عداوت شخصی دارد.
۲ـ یا مورد حسد اوست.
۳ـ یا کسی او را سفارش کرده است.
۴ـ یا در قبل آن مزدی دریافت کرده است.
۵ـ و یا وی را کم زورتر و کم خطرتر از بقیه تشخیص داده است.

و همگی اینها به آزادی قلم و شرافت نویسنده لطمه سنگینی وارد خواهد آورد.

و برعکس از پرداختن به آن جنبه‌های خصوصی افراد نیز که باعث هتک حرمت آنها گردیده و شکلی از ناسزاگوئی به طنز می‌دهد و یا طنز را به سمت افشاگریهای موذیانه و رذیلانه می‌کشاند خودداری کند و در فرد مورد نظر تنها آن چیزی را نبیند که خود متقلبانه در وجود وی گذاشته است. زیرا چه بسا ممکن است خود نویسنده نیز از این لغزشها چه در گذشته و چه حال خالی نباشد و خود او نیز مشمول اینگونه حکم و قضاوت قرار گیرد و در پیش چشم خلق ریگ از کفشش بیرون بیفتد. در پایان اضافه می‌شود و بر این نکته تأکید می‌شود، طنزنویسی که دارای ذهن کنجکاو و نکته‌یاب است جهت رسیدن به فهم تحلیلی این هنر بسیار ظریف ضرورتاً نیاز است که آثار گذشتگانی که در این موضوع قلم زده‌اند مطالعه نماید.

## حضور هنرمندان بوشهری در همایش انجمن نمایش سراسر کشور

تاریخ ۷۷/۱۲/۱۲ همایش انجمن نمایش سراسر کشور تهران و در تالار هنر با حضور آقای مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. در این سمینار راه کارهای بهبود تئاتر شهرستانها بررسی و در مورد انجمن نمایش، توسط مسئولین و کارشناسان تئاتر استانها بحث و تبادل نظر گردید و قرار شد که در آینده مشکلات و معضلات سد راه انجمن نمایش برطرف و به تئاتر شهرستانها توجه بیشتری شود.در این سمینار از بوشهر رمضان امیری، علیرضا شبگرد و حمید رضا بوشهری شرکت کرده بودند.

## «ماه منیر» و «لیلی» به تهران رفتند.

نمایش «ماه منیر» به نویسندگی و کارگردانی پیمان زنده‌بودی، و نمایش «لیلی» به کارگردانی محمد رضا میرشکاری به جشنواره دانشجویی کشوری راه یافتند. این دو نمایش از بین چندین نمایش بازبینی شده در استان بوشهر موفق به ورود به این جشنواره گردیدند.

جشنواره دانشجویی از تاریخ ۱۴ تا ۲۳ اسفند در تهران برگزار می‌شود.



## گل فروش جوان: مردم بوشهر اهل گُل خریدن نیستند.

✓ به کوشش فاطمه لاله‌رخ

- خودتان را معرفی کنید.
- حیدر امیر احمدی
- چندسال است که گل می‌فروشید؟
- ۷ سال.
- چه موقعی از سال فروش بیشتری دارید؟
- ایام عید و اول هفته و هنگام باز شدن مدارس.
- گلها از کجا برای شما می‌رسد؟
- تهران
- آیا در راه خراب نمی‌شود؟
- خیر آنها را در کیسهٔ برزنت می‌گذارند و آنها را بسته‌بندی می‌کنند.
- روزی چند شاخهٔ گل بفروش می‌رسانید؟
- مشخص نیست و متفاوت است، مثلاً روزی ۱۰۰ شاخه می‌فروشیم، روزی هم می‌شود که ۱ شاخه هم نمی‌فروشیم مثلاً از صبح تا حالا ۱ شاخه هم نفروختیم، مردم بوشهر اهل گل خریدن نیستند.
- تفاوت گلهایی که برای عروسی و مجلس ختم می‌برند در چیست؟
- گلهای عروسی به دلخواه عروس و داماد می‌برند ولی برای مجلس ختم اگر جوان باشد رنگ شاد و صورتی و اگر پیر باشد رنگ سفید و مشکی می‌خرند.
- تفاوت گلهایی که پیرمردها می‌برند با آنهایی که افراد جوان می‌برند در چیست؟
- پیرمردها برای طراوت خود می‌برند ولی جوانها گل لازم دارند تا جایی ببرند ولی در بوشهر پیرها کمتر گل می‌خرند و بعضی وقتها خانم و آقایی برای عیادت مریض می‌برند.
- اوقات فراغتتان را چه می‌کنید.
- با گلها ور می‌روم. اگر بار برسد گلها را در یخچال می‌گذارم، من به علت اینکه محصل هستم صبحها فقط در اینجا هستم و بعدازظهرها صاحب مغازه به اینجا می‌آید.
- تفاوت گلهایی که در تابستان و زمستان می‌فروشید در چیست؟
- گلهای تابستان با توجه به فصل به دست ما می‌رسد مثلاً گلایره ماگاریده، گلهای تزئینی و مینا و عروس ولی در زمستان بعضی از گلها ازبین می‌روند.
- آیا شما به گلی هم علاقه دارد؟ چه گلی؟
- گل رز و مریم. چون هر دو آنها رنگشان به هم می‌خورد و باکلاس‌تر است ولی گلایر نه خاصیتی دارد نه بو.
- آیا در منزلتان هم گل دارید یا گلهای گلخانه را به خانه می‌برید؟
- بله. مثلاً گلهای ریشه‌ای برای آپارتمان و پترس و یوکا و آکفاما و دیفن درمنزل داریم.

## گروه نمایش مطاف در قشم

دوگروه نمایشی و موسیقی بوشهر در جزیره قشم برنامه اجرا نمودند.

گروه نمایش مطاف به کارگردانی عبدالرحمن برزگر و گروه موسیقی محلی به سرپرستی محسن حیدریه وابسته به حوزه هنری بنا به دعوت سازمان عمران قشم به مدت ۳ روز در جزیره قشم اجرای برنامه داشتند که با استقبال پرشور مردم منطقه مواجه گردید.

## موفقیت نمایش قرق دریا از دانشگاه خلیج‌فارس در هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

نمایش قرق دریا کاری از اداره امور فرهنگی دانشگاه خلیج‌فارس که در هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در بخش دانشجوئی که به مدت ۱۴ روز در تهران برپا گردید شرکت نمود. این نمایش که در رقابت تئاتر دانشگاهی شرکت داشت در پایان به مقام سوم رسید.

## بچه گنجشکها بر روی صحنه نمایش دانشگاه خلیج فارس

نمایش بچه گنجشکهابه نویسندگی و کارگردانی رضا بهارلو در دانشگاه خلیج فاارس بوشهر به روی صحنه رفت. اجرای این نمایش که زیر نظر گروه نمایش انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خلیج‌فارس قرار دارد با استقبال فراوان هیئت علمی و دانشجویان قرار گرفت.

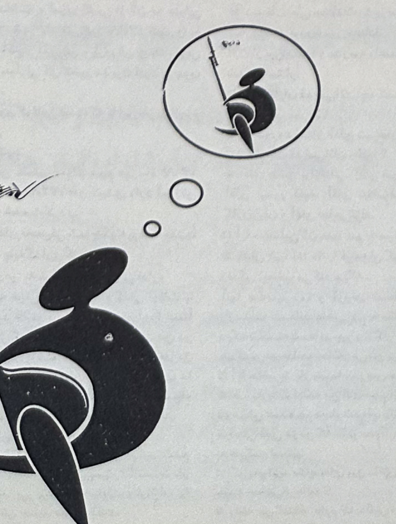



## گروه موسیقی محلی بوشهر در کشور قطر

بنا به پیشنهاد اداره کل همکاریهای فرهنگی و هنری، گروه محلی «دریادلان» بوشهر به منظور برگزاری اولین هفته فرهنگی و هنری به مناسبت بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به کشور قطر عزیمت نمود. این گروه که در کشور، مقامهای ارزنده‌ای به ارمغان آورده است تاکنون به چندین سفر خارج از کشور اعزام شده است. اسامی گروه محلی «دریادلان» به شرح زیر می‌باشد:

۱ـ میرزا (کرم) زبردست ـ خواننده و سرپرست گروه
۲ـ حسن صیادزاده ـ نوازنده نی‌انبان و نی جفتی
۳ـ عبدالکریم خردور ـ نوازنده دمام و اشکون و کِپِر.
۴ـ محمدرضا اخلاقی ـ نوازنده دمام پایه و دیره
۵ـ ابراهیم ستار ـ نوازنده سنج و دایره زنگی

طرح هفته



عباس حمزوی

# سیمرغ شعر

## به بهانه فرا رسیدن سالروز درگذشت مرحوم محمدرضا نعمتی‌زاده

● محسن دلواری

سیمرغ شعر من/ وقتی من مست و بی‌خودم/ سخنهای نکته‌دار می‌گوید

آغاز آشنایی حضوری من با استاد نعمتی‌زاده به سال ۱۳۶۶ برمی‌گردد. (هر چند که در دوران تحصیل، استاد دبیر ادبیات من بودند) عادت استاد این بود که هر وقت کسی را می‌دید ایشان را در بغل می‌گرفت و می‌بوسید. عادت دیگر ایشان این بود که پدر برای همه قشرهای جامعه بود...



در سال ۱۳۶۷ به اتفاق استاد به شیراز رفتم. ماجرای جالبی که در آنجا اتفاق افتاد در آنجا گذرمان با استاد و یکی دیگر از دوستان به خانقاه یکی از سلسله‌های دراویش افتاد. دوست ما استاد را به شیخ خانقاه معرفی کردند. شیخ خطاب به استاد گفت که اگر سوادی دارید از ما بپرسید. استاد فرمودند که مفهوم شاخه نبات چیست؟ شیخ جوابهایی می‌داد که مفهوم شاخه نبات را نمی‌رساند. استاد هم مرتباً صحبتهای شیخ را نفی می‌کرد. با رد کردن مرتب پاسخ شیخ توسط استاد، کار به درگیری لفظی میان آنها کشیده شد. استاد در آخر فرمودند: «شما که معنای ظاهری شاخه نبات را نمی‌دانید چگونه می‌توانید دم از عرفان و درویشی بزنید.» متأسفانه هنوز هم مفهوم شاخه نبات برای من پوشیده مانده است. هر چند فکر می‌کنم که باید مفهوم آن قرآن باشد. بعد از آنجا به حافظیه رفتیم. پس از قرائت فاتحه و خوانش شعری از حافظ، ایشان خطاب به من فرمودند: «محسن لطفاً مرا تنها بگذار»! من ۱۰ - ۱۵ متر از ایشان فاصله گرفتم. دیدم که استاد قرآن را باز و شروع به خواندنش کرد. در حین قرآن خوانی استاد دختر خانم دانشجویی نزد استاد آمد و شروع به صحبت با استاد کرد. (گویا ایشان قبلاً در بوشهر زندگی می‌کرده و با شبهای شعر بوشهر و شعرهای استاد آشنایی داشت) من هم از سر کنجکاوی نزدیک آنها رفتم. استاد درباره مقام حافظ صحبت می‌کرد. گفته‌های استاد آنقدر دختر خانم دانشجو را مجذوب کرد که تا حدود ساعت ۴ بعدازظهر با استاد صحبت می‌کرد. استاد در طی این مدت با اصرار آن خانم شعر می‌خواند و دختر خانم آنها را ضبط میکرد. ساعت ۴ بعدازظهر ما با تاکسی ایشان به محل دانشگاه ادبیات شیراز رساندیم. و ایشان اصلاً مایل نبود که از استاد جدا شود. اما به هر حال پس از گرفتن آدرس از ما جدا شد. بعد از اینکه از دختر جدا شدیم استاد به من گفتند که جوانان ما تشنهٔ شعر و ادبیات هستند و باید یک منبعی باشد که آنها را پرورش دهد. بعد از آن با هم به آرامگاه سعدی رفتیم.

یکی دیگر از خصایص استاد بها دادن به جوانان علاقمند به شعر بود. قشرهای مختلفی از جوانان همیشه در خانه استاد مشغول تلمذ بودند. یادم می‌آید که شب شعر بود که من به اتفاق استاد به آنجا رفتم. استاد خیلی اصرار داشت که من شعر «کنار مهنا» که تازه سروده بودم را بخوانم. وقتی که وارد شدیم از استاد دعوت کردند که پشت تریبون برود و به شعرخوانی بپردازد اما ایشان گفتند که اول باید محسن دلواری شعر بخواند. مرتباً مجری شب شعر مخالفت می‌کرد و می‌گفت که وقت نداریم. استاد فرمودند که پنج دقیقه از وقت مرا در اختیار «دلواری» قرار دهید!

متأسفانه مجری باز هم مخالفت کرد. استاد فرمودند: «تا ایشان شعر نخواند من هم پشت تریبون نمی‌آیم. اگر همیشه شما با جوانان اینگونه برخورد کنید این نسل هرگز رشد نمی‌کند.»

# چند پاسخ مختصر به شاعران و نویسندگان جوان

● منوچهر آتشی

عباسعلی میرزا - برای رسیدن به زبان شعر حالا حالاها باید بخوانید و کار کنید.

م. کمالی - نوشته‌های شما انسجام لازم را ندارد، خودتان برای بار دوم و سوم این شعرگونه‌ها را بخوانید تا متوجه شوید که بین سطرها و بندها ارتباطی معنائی و حسی وجود ندارد، و به زبان شعر هم نرسیده‌اید. مثلاً در یک شعرتان خوب شروع می‌کنید:

بر سر دوراهی
کنگ و گیج - از لنگی و گیجی مردم
و کسی می‌گوید
که تو خود را بیش از این اسیر بید مکن
زان که او چشم به دست باد است

این آغازگری - هر چند کمی مغشوش است ولی کلاً بد نیست، اما در بند بعد ناگهان تکرار می‌کنید

دل مردم بید است
باز هم حرص و طمع
باز هم کین و غضب

یعنی هم بند اول شعر خود را تشریح می‌کنید، که نادرست است، هم از یک شعر بی‌وزن وارد وزن می‌شوید که باز هم نادرست است - ضمناً بقیه شعرها هم همین وضع را دارند. در عین حال شعرها را کوتاه‌تر و موجزتر بنویسید و شعر معاصر را بیشتر بخوانید.

میثم قیصی‌زاده - خیلی باید بیشتر کار کنید. قصه شما جای امیدواری زیاد دارد. بیشتر بنویسید و همین قصه را هم یکبار دیگر بازنویسی کنید. ضمناً کلمات را واضح بنویسید و از واژه‌های نارسای محاوره‌ای استفاده نکنید. منتظر قصه‌های بعدی شما هستیم.

# برای او که کُشتمش

● مریم زارعی

حس می‌کنم می‌شناسمش. کجا دیدمش؟ نمی‌دانم شاید هم اصلاً ندیده باشمش. خیلی اتفاقی بیاد می‌آ ورم مدتها است که می‌شناسمش. بی رو دربایستی خیلی ساده بهش می‌گویم: قاعده بازی همیشه یکیه. آخر بازی، هر بار تو بازنده‌ای. تو محکوم شدی به مرگ، فرار دیگه بسه. از اینجا تا سطر سوم وقت داری وگرنه خودم کار و تموم می‌کنم، عین دفعه‌های قبل، تو می‌میری. یادت باشه که می‌میری به روی خود نمی‌آورد. خودش را به نفهمی می‌زند. بنا می‌کند به تماشای مسافران. خب چه بخوای چه نخواهی چنددقیقه دیگه می‌میری. محکومی به مرگ. تقدیر تو من می‌نویسم. حدسم درست بود. خودش بود از سطر اول دنبالش می‌کردم. خسته تا اینجا دوید تا ایستگاه. سوار اتوبوس شد بعد در جائیکه پیدا کردنش چندان مشکل نبود نشست. ردیف سمت چپ، چهارمین صندلی، مجاور پنجره و مثل دیدارهای قبلی جدال تکرار شد. جدال میان من و او بر سر بردن و رسیدن به خط پایان تا وقتی که او نمی‌میرد ادامه دارد و به صندلی نرم تکیه می‌دهم، کسی را راست می‌کنم. بحال خودش می‌گذارمش اتوبوس توقف می‌کند، همه پیاده می‌شوند. او روی صندلی جا می‌ماند. خوابش برده. شاید سرش به پنجره متمایل است و چشمانش بازمانده نگاهش در بیرون برآسفالت خشک شده. پشتیش در حال پیاده شدن صدایش می‌کند. آقای، آقای، بلندشین، رسیدیم. تکان نمی‌خورد به مقابلش می‌آید. می‌خواهد سرش را برگرداند که بروی دستش می‌افتد فریاد می‌زند: او مرده، مرده. سرم را روی میز می‌گذارم. ساعت رو میزی، روبروی نگاهم ایستاده. انگار بر سرم می‌کوبد، با آن عقربه‌های ترکه مانندش وهی داد می‌زند: دیگه بسه، برو بخواب، دیگه نمی‌خوام ریختتو ببینم. هر شب منو تلف می‌کنی که چی؟ یکی رو هلاک کنی، منو صرف کشتن یکی دیگه کنی؟ خمیازه‌ای می‌کشم. اینم از چند سطر آخر.

# غزل

● کاظم ظاهری

تو چون شهاب فروزان بخوان حکایت شب
که با ستارهٔ سوزان کنم شکایت شب
شهاب عمر منی، سوختن دمی موقوف!
بتاب، کوکب عمرم تو تا به عنایت شب
به غیر مهر درخشان که تا ابد باقی است
بسا ستاره که مردند زیر رایت شب
حدیث چشمهٔ رویت، حدیث خورشید است
بیا شبانه بتابان به بینهایت شب
به سیب چانهٔ حوا فریب خوردم من
همان حکایت آدم! همان جنایت شب

# عاصی

«به احمد شاملو»

● سیامک برازجانی

دنیا
سکوت و احشام می‌طلبد
تو را
بهتر آنکه شبانی باشی
سایه ایمنی و
زنگ خطر تمام دره‌ها

# اسد

«تقدیم به روح اسدالله صادقی جوان، که خیلی زود رفت»

● عوض آب آذر

حالا که سرطان
بی‌تابی می‌کند برای رفتن
حرفی نیست
آنجا
در همیشه بودن
آسوده می‌شوی
از این پشته خار لجوج
که چنگ انداخت
بر تارنج نوبهار دهکده
امشب
بیا که د راین شهر خسته
دل «رودفاریابی» ام
مثل «تنگ دُزوِئ»* تنگ است
برای دستی
که روزهای آخر نداشتی تا بفشارمش
بعد از تو
گریختم از خیال بی‌توام
اما
آفتاب هر روز
بدنبال ردپایی است
که غروب را نشانش داد.

Darvi

*تنگه در روستای رود فاریاب

# از آب و آتش

تقدیم به سیمرغ شعر جنوب محمدرضا نعمتی‌زاده

● محسن دلواری

در پیدایشی غریب
در هجوم جاذبه‌ای شگرف
جهان در مسیر التهاب
گام برمی‌دارد
فواره‌ای شکل می‌گیرد
کهکشانی فرو می‌ریزد
و اکسیژن در رگهای سرد زمین
برسوب می‌نشیند
در چنین تبادلی
جهان در مد اضطراب
فرو می‌رود
و کوهها از وحشت قرون
خرد می‌شوند
ومرد از آب و آتش
ظهور می‌کند
و با انگشتانش
کسوف را نشانه می‌گیرد
در چنین دلواپسی
زمان مست و منگ
سر در گریبان حقارت
در بهتی عقیم
دست و پا می‌زند
و مرد در دریایی از خون
شنا می‌کند
و با فریادی غریب
رسالت خویش را
ابلاغ میکند

# دانش رقصان

● ع. صمدیان

...س ما سخنگوی محدودیتهای ما وابستگی ما به جسم ...ت، تفکر اما فرا روی ماست از این دایره کوچک که ...ی تواند به رویا برسد. شاعر، رویا زده‌ایست که با فضیلت ...ذشت آشناست و به جای سعی در گسترش خود از جهان، ...سهم جهان را در خود وسعت می‌بخشد. در نقد شعر، اول قدم ...ن است که ببینیم آیا گویندهٔ شعر، در لحظه سرایش ...حساساتی شده و با شعر واقعاً زیباترین و ضروری‌ترین پاسخ ...ه حس آن لحظهٔ شاعر بوده است و سرایش شاعر در آن ...شرایط، موثرترین و متعالی‌ترین حرکتی بوده که شاعر ...توانسته انجام بدهد. دومین مرحله، ردیابی ساخته شدن و ...تعالی شاعر در طول شعر، از ابتدا به انتهاست. هر چند بطئی و ...کم جلوه باشد چراکه شعر عشوهٔ پرشکوه جانی است و جز این ...اگر باشد، بازیست، موج بازیست. هرچند به ظاهر تحسین ...برانگیز باشد. شاعر، اندیشمند نستوهی است که اگر هر از ...گاهی از بیکرانگی اندیشه بستوه می‌آید، ستوهش را در ...شعرش می‌ریزد و وردی درخشان بر جاده می‌نشاند و باز راه می‌افتد.

...جانهای بی‌شکوه طفیلی‌های شعرند هر چند شهره‌های شهر باشند. چراکه شیاداند و نادانند و شعر با نادانی نمی‌خواند. شعر اعتراضنامه نادانی دانایان است شعر دانش رقصان است.

# سفر به سایه

سفر به سایه چرا؟
وقتی زمین
دوباره ایستاده و
مدار چرخش خورشید
از ماهوار‌ه‌ها
می‌گذرد
و تمام نورها و سایه‌ها را
به لحظه‌های تو
می‌تاباند؟

□

سفر به سایه چرا؟
که زیر سایهٔ اهرام
یا نیاگارا
یا پانتئون
بمانی و
باقی عمرت
تلاش دور شدن
در هوای نور شدن باشد
زمان به کوچه باغهای پیچ پیچ سرت
عقب نشینی کرده است
و سیل سایه از اعماق آن
به سوی تو
جاریست.
تو بر فراز جهان
ایستاده‌ای و
تلسکوپها
...
به روی تو
میزان شده ست.

□

سفر به سایهٔ تو
رسیده ست.
سفر به سایه رسیده ست.

# فریادی در سکوت

● طاهره غمخوار

در کجای روزگار ایستاده‌ای
که اینگونه
در میان خوابم شبنم می‌باری؟!
در کجای این روزگار نامردمی ایستاده‌ای
که اینگونه،
روشنی
روشنی
روشنی
و نور می‌پاشی...
تمامی دهلیزهای سیاه و تهی را
در پشت کدام فریاد ایستاده‌ای
که طنین آوازت
تمام دستهای روشن را
به آسمان می‌رساند
بیا
بیا
بیا
که عطر تمام رازقی‌ها را
در میان دستانم پنهان کرده‌ام
تا در روز تولد تو
تمام دنیا را گلباران کنم
بیا...

# ناگفته‌های تاریخی در باب مدرسه سعادت
# روزنامه مظفری و مدرسه سعادت

«قسمت سوم»

نوشته سیدقاسم یاحسینی

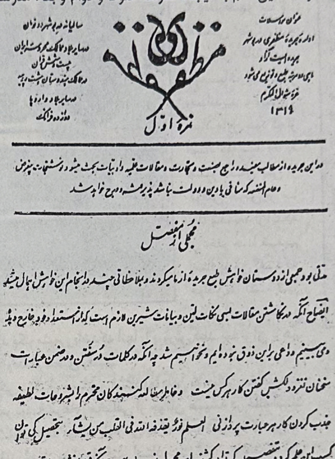
روزنامه مظفری چاپ بوشهر (۱) از اولین شمارهٔ انتشار، توجه ویژه‌ای به مدرسهٔ سعادت بوشهر کرد و به عنوان مهمترین و پراهمیت‌ترین نهاد و مؤسسه فرهنگی - آموزشی در سطح جنوب ایران، کوشید تا توجه عموم مردم - خصوصاً تجار، و قدرتمندان سیاسی را، به این مرکز جلب و جذب نماید.(۲)
نخستین شماره در غره (اول) شوال ۱۳۱۹ هجری قمری برابر با یازدهم ژانویه ۱۹۰۲ میلادی در شهر بوشهر با چاپ سنگی و در ۱۶ صفحه به اصطلاح «خشتی» منتشر شد. به دلیل عنایت خاصی که سردبیر و هیئت تحریریهٔ (۳) این روزنامه به مدرسه سعادت داشتند، پس از سرمقالهٔ شماره اول چندین صفحه (چهار صفحه، یعنی یک چهارم کل حجم شماره اول) را به این مدرسه اختصاص دادند. در اولین مقالهٔ نخستین شمارهٔ مظفری، این روزنامه کوشید تا با توجه به تبلیغات برخی از عناصر جاهل و قشری و کسانی که مغرضانه علم و دانش را در تقابل و حتی تضاد با دین و ایمان مردم قرار می‌دادند، هماهنگی دین و دانش رابه اثبات رسانده و نشان دهد که کسب علم و تحصیل دانش روز نه تنها برای مسلمین و کافهٔ خلق مضر نیست بلکه فواید و برکات عبادی و آئینی زیادی دارد.
مؤلف (که احتمالاً یا متین‌السلطنه بوده یا آقای علی لبیب الملک مظفری) در این نوشته سعی کرده تا علم روز را در خدمت دین جلوه دهد و مثلاً بگوید که مسلمانی که معدن‌شناسی می‌خواند بر اثر انباشت ثروت خمس بیشتری به جامعهٔ مسلمین می‌پردازد و کسی که فلاحت (کشاورزی) تحصیل می‌کند، بر میزان زکات می‌افزاید. علم روز در این نگاه صددرصد در خدمت دین و آئین است و نه تنها هیچ تناقضی با هم ندارند بلکه دانش خادم دین نیز می‌باشد.
به دلیل اهمیت مقالهٔ فوق، که سندی است درباره تلاش روزنامه مظفری برای مبارزه با خشک اندیشی و قشری‌گری و دفاع عالمانه از مدرسه سعادت، متن کامل آن را، هر چند اندکی طولانی است، در اینجا می‌آوریم:
مدرسه مظفری سعادت در بوشهر
«قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه الکریم: «تعاونوا علی البر و التقوی... الخ (۴)

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد.
آنچه خودداشت زبیگانه تمنا میکرد.(۵)

دیرگاهی است که ملل متمدنهٔ عالم و امم متفطنه (۶) بنی نوع آدم ستر شریف و معنای لطیف آیه مبارکه (فوق) را کاملاً دریافت نموده، مفاد صدر و ذیل آیه وافی هدایه را وسیله ترقیات محیر العقول خود قرار داده از وضع این مقدمهٔ هزار و سیصد ساله (۷) به نتایج حالیه کامیاب و ظفرمند شده، شاهد خوشبختی را در آغوش کشیده و از زیر سایهٔ کلمهٔ جامعه «معاونت» براحت زندگانی می‌کنند تا کار بدانجا کشید و امر بجائی رسید که آنچه را ما خود داشته و داریم، امروز آن را از بیگانه تمنا و طلب می‌نمائیم و حال آنکه اگر به امعان نظر و فکر صائب ملاحظه نمائیم خواهیم فهمید که آیه (فوق) وافی هدایه اصل و اساس شریعت مطهره را و فروعات دینیه را به معاونت منوط و مربوط می‌نماید.
و کلمهٔ «بر و تقوی» که مامور به و منظور حق تعالی است

> **روزنامه مظفری کوشید تا با توجه به تبلیغات برخی از عناصر جاهل و قشری و کسانی که مغرضانه علم و دانش را در تقابل و حتی تضاد با دین و ایمان مردم قرار می‌دادند، هماهنگی دین و دانش رابه اثبات رسانده و نشان دهد که کسب علم و تحصیل دانش روز نه تنها برای مسلمین و کافهٔ خلق مضر نیست بلکه فواید و برکات عبادی و آئینی زیادی دارد.**

وسائل ترقیات عصر حاضر را جامع و داراست اتیان (۸)...(۹) به راهنمائی علم صورت نبیند و تحصیل علم به غیر از وسیله معاونت امکان ندارد.
دانستن علم فقه به اقامه اجتهاد و یا تقلید موجب صحت نماز و صحت معاملات و عقود و ایقاعات(۱۰) است.
دانستن علم صرف و نحو و منطق و معانی بیان و اصول مقدمهٔ اجتهاد داشت.
تحصیل علم معدن‌شناسی و استخراج معادن وسیلهٔ دادن خمس است.
تکمیل علم فلاحت موجب دادن زکات است.
علم ثروت (۱۱) مقتضی اداره حج است.
علم تجارت باعث احساس به فقراء و مساکین است.
علم حرب مورث اتیان به وظیفه جهاد است.
علم حساب مستلزم اعتبار و فراست.
علم هیئت و جغرافی مزید معرفت قبله است.
علم طب فایده‌اش حفظ الصحه مملکت است.
مساحت اراضی و ساختن عمارات و تسطیع شوارع به علم هندسه است.
راندن کشتی در لجج بحار به علم بحر پیمائی است.
پس معلوم شد که اقامهٔ صلاة معاونت است و (۱۲) خمس و زکات و اداء حج به معاونت است.
افتتاح مدارس و مکاتب که مباحث حیات موجب نجات جگرگوشان وطن است، به معاونت است. پس جمیع این وجوه بزید که خداوند متعال از ما خواسته است به علم مربوط است و تحصیل علم به ایجاد مدرسه منوط و دوام و بقاء مدرسه


مظفری
نمرهٔ اول
۱۳۱۹
تجلی از مفصل

بسته به اتفاق و اجماع و همت و معاونت است. ترقیات وطنی بسته به ترویج و احیای همین آرزوست که عموم هم‌وطنان درجه وجوب اتحاد را بفهمند و سلامت خود را در اتحاد و معاونت دانسته در راه آن سعی و کوشش نمایند. و معلوم است که تمام افراد ملت نمی‌توانند مباشر و متصدی انجام امورات ملی خود بشوند و یا آنکه شخص واحد از عهدهٔ تمام مخارج یک مدرسه برآید.
علی هذا تشکیل مجلسی از برای سرپرستی و جمع‌آوری اعانه از برای این بنای مقدس گردیده و اسامی وکلای مدرسه که هفته‌ای یک روز دخل و خرج را در مجلس دیده آرای لازمه از برای ترقیات داخلی مدرسه می‌دهند...» (۱۳)

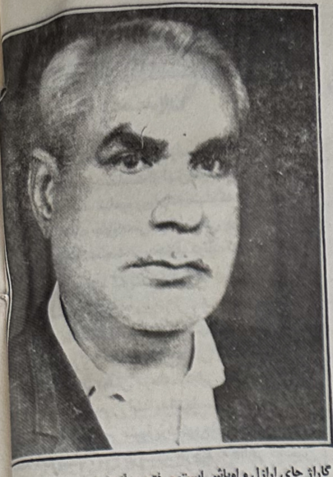
## کمک یک هزار تومانی مظفرالدین شاه به مدرسهٔ سعادت

یکی از اقدامات بانیان مدرسه و وکلای آن تقاضای کمک مالی از مظفرالدین شاه قاجار بود. آنان با ارسال نامه‌ای به اتابک اعظم صدر اعظم وقت از او خواستند تا خدمت مظفرالدین شاه رسیده و از وی تقاضای کمک به مدرسهٔ سعادت را نماید. (۱۴) شاه نیز با روی گشاده این تقاضا را پذیرفت و مبلغ هزار تومان، که آن سالها پول بسیار هنگفتی بود، به مدرسه کمک کرد. انعکاس این خبر در روزنامه مظفری چنین است:
«بندگان خسروپرست را بشارت باد.»
وکلای مدرسه مظفری سعادت به توسط حضرت مستطاب اشراف معظم بندگان امیر اتابک اعظم دامت شوکته عالی برای بنای مدرسه مبارکه استدعای انعام از خاکپای اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحناله الفداء نموده بودند و دستخط آفتاب نقطه همایونی به این (شرح) صادر گردید که: وزارت جلیله گمرکات، مبلغ یک هزار تومان برای مخارج این بنا به عنوان انعام ملوکانه بپردازند. مبلغ یک هزار تومان را خزانه‌دار مدرسه از اداره جلیلهٔ گمرکات بنادر خلیج‌فارس دریافت داشته و در دفتر عایدات قید نموده است.» (۱۵)

پانوشت: ۱ - تاریخ مفصل این روزنامه در کتاب زیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است: - صد سال مطبوعات بوشهر، ص ۷۱-۶۸ // ۲- روزنامه مظفری یکی از پرمحتوی‌ترین روزنامه‌های ایران در باب انعکاس اخبار مدرسهٔ سعادت بوشهر می‌باشد. بی‌شک پژوهندگانی که درباره تاریخ مدرسهٔ سعادت پژوهش می‌کنند بدون ارجاع به سال های مختلف این روزنامه تحقیقی ناقص و ابتری ارائه خواهند داد. // ۳- سردبیر اولیه مظفری متین‌السلطنه ثقفی بود اما با انتقال وی از بوشهر به مشهد، سردبیری این روزنامه برعهدهٔ آقا علی لبیب‌الملک افتاد. // ۴- قرآن کریم، سوره مائده آیهٔ دوم. // ۵- شعر از حافظ است. // ۶- متفطن: زیرک و باهوش. // ۷- باید توجه داشت که مقاله صد سال پیش نوشته شده است. // ۸- اتیان = بودن // ۹- دو کلمه خوانده نشد. // ۱۰- ایقاعات = افکندن، تاختن // ۱۱- علم ثروت = علم اقتصاد // ۱۲- اعطاء = دادن // ۱۳- مظفری، سال اول، شماره اول، اول شوال ۱۳۱۹ (هجری قمری)، ص ۲-۴ // ۱۴- در صورت جلسات سال ۱۳۱۹ هجری قمری مدرسه سعادت متن این تقاضا درج شده است. این سند باید هم اکنون در آرشیو مدرسه سعادت موجود باشد. اینجانب در سالهائی که مشغول پژوهشی دراینباره بودم، بارها سند فوق را در بایگانی دبیرستان سعادت دیده‌ام. سند روی کاغذ بزرگی با خط بسیار زیبائی نوشته و دور آن با هنرمندی تذهیب شده بود. // ۱۵- مظفری، سال اول، ش ۱ ص ۵

# خاطراتی از حمله متفقین به ایران

● ماشاءالله کازرونی



شعله‌های جنگ جهانی دوم سراسر عالم را فرا گرفته بود و علیرغم بیطرفی ایران در سال ۱۳۱۸ توسط محمود جم نخست‌وزیر رضاشاه و سپس منصور و ساعد و فروغی اعلام شد. متفقین به بهانه حضور چند نفر آلمانی که در شرکتهای زیمنس و کروپ و آ.اگ و بنز مشغول به کار بودند میهن ما را از شمال و غرب و جنوب ابتداء روسها و انگلیسی‌ها و سپس امریکائیها مورد تجاوز قرار دادند. نیروی دریائی و ارتش ایران که رضا شاه در مدت بیست سال حکومت خود از آن بعنوان یک ارتش مدرن و نیرومند یاد می‌کرد کمتراز چند ساعت در هم شکسته شد. و تیمسارانی که قطر شکمشان را با مکیدن و ریختن خون مردم و برای خوش خدمتی به ارباب و دیکتاتور بالا آورده بودند همچون طبل توخالی بادشان خارج شد و یا فرار کردند و یا پرچم تسلیم را بالا بردند. رضا شاه را که انگلیسی‌ها با کودتای سیدضیاء ابتداء بعنوان فرماندار قزاق و سپس سردار سپه و کاندیدای رئیس جمهوری و در نهایت شاه، بر سر کار آورده و بر ایران تحمیل و در مدت بیست سال با دستان جنایتکار او هزاران نفر را برای استحکام قدرتش و تسلط بر ایران بکام مرگ فرستاده و نفسها را در سینه‌ها خفه کرده بودند. شاهی که به تقلید اتاتورک رئیس جمهور ترکیه می‌خواست ایران اسلامی را یکشبه به یک کشور لائیک تبدیل نماید در حالیکه همتای او اتاتورک و جانشینان او بعد از گذشت ۸۰ سال نه تنها کشور ترکیه را نتوانستند به پای کشورهای اروپائی برسانند بلکه تا امروز ترکیه یکی از فقیرترین و عقب‌افتاده‌ترین کشورهای آسیائی می‌باشد و در دین‌زدائی نیز ناکام شده است. انگلیسی‌ها آسانتر از آنچه تصور می‌شد رضا شاه را سوار بر اتومبیل و بدون کوچکترین تشریفاتی ابتداء او را به بندرعباس و سپس بر کشتی و به افریقای جنوبی و جزیره موریس تبعید و فرزندش محمدرضا را بعنوان شاه معرفی کردند. سربازان انگلیسی و امریکائی از غرب و جنوب (کرمانشاه، خرمشهر، آبادان و بوشهر) به ایران حمله‌ور شدند. هدف آنها پیوستن به ارتش شوروی بود که تا قزوین پیش آمده بود. سربازانیکه وارد بوشهر شدند برای اسکان موقت با تجهیزات و مهمات و زره پوشها و خودروهای نیرومند نفربر وارد برازجان شدند ودر قلعه معروف (دژ) و میدانهای اطراف مستقر گشتند. انگلیسی‌ها که طعم ضربات کوبنده مردان و زنان دلیر جنوب ایران را تجربه کرده بودند، به همراه پسر عموهای امریکائی با خیال راحت و در پناه شاه و دولت دست نشانده و این بار بدون ترس از باقر خان و احمد خان و محمد رضا بیگ زیارتی و محمد حسن بیگ خوشابی و رئیسعلی دلواری و غضنفرالسلطنه برازجانی و دیگر مجاهدین جاده را صاف کردند. جنوب همیشه سرافرز ایران زیر پای چکمه‌پوشان بلرزه درآمده بود. هدف متفقین این بود که حلقه محاصره دولتهای محور (آلمان، ایتالی، ژاپن) را تنگ‌تر کنند و چنین نیز کردند و سربازان امریکائی و انگلیسی در تهران مرکز ایران عربده‌کشان شب وروز نه تنها استقلال یک کشور بیطرف را پایمال کردند، بلکه به مال و جان و ناموس مردم آنچنان تجاوز کردند که قلم به دستان وظیفه دارند تا فجایع متجاوزین را بازگو و نشر نمایند.
در آن سالها من کودکی بودم که در کلاس اول دبستان بودم و پدرم را هم ازدست داده و در نهایت به سختی زندگی می‌کردیم. تا جائیکه حتی کفش و دمپائی هم نداشتم. کنجکاوی بچه‌گانه و شایعاتی که درباره ورود سربازان امریکائی و انگلیسی و استقرار آنها در دژ و اطراف آن شنیده بودم مرا به فلکه و درب گاراژ کشاند. درآن روزگار مردم باایمان و متدین شهر ما نه تنها خودشان به فلکه و درب گاراژ نمی‌رفتند بلکه به فرزندان خود نیز تلقین کرده بودند که فلکه درب گاراژ جای اراذل و اوباش است و رفتن به آنجا را معادل یک کار حرا... و خطای بزرگ می‌دانستند. من بخود جرأت دادم و از کوچه پس... کوچه‌های شهر گذشتم و کنار شهرداری فعلی که مرکز حکومت ن... بود به تماشا ایستادم. ابتدا از هیبت سربازان با کلاه‌خودهای آهنی ... قمقمه‌های مسی و زره پوشها و نفربرها به وحشت افتادم بچه‌های ... دیگر هم جمع شده بودند، می‌خواستم به منزل برگردم. یک حس ... عجیب در من پیدا شده بود. تنفر از آنچه می‌دیدم. در آن روزها ... وطن‌پرستی و ایران و مردم و اینگونه تعاریف زیبا چیز... نمی‌دانستیم ولی احساس بیگانگی و دشمنی عجیبی نسبت به آنچ... در شهرم و دیارم می‌دیدم مرا بر آن داشت که از رفتن به منزل ... خودداری نمایم. از تنبیه برادر بزرگ چشم‌پوشی کردم. کم‌کم بخو... جرأت دادم و به کامیونها نزدیک شدم. قد کوتاه و بچه‌گانه من ... شاید غرور سربازان توجه آنها را بطرفم جلب نکرد. پشت لاستیک ... بزرگ نفربرها یک وسیله بسیار سنگین که از الوار درختان جنگل ... درست کرده بودند و به آن جک می‌گفتند قرار داشت گویا در آن زمان ... کامیونها فاقد ترمزدستی بودند. و کار جکها این بود که کامیونها ... درحالت توقف نگه می‌داشت و اگر آنرا برمی‌داشتند تعادل کامیو... بهم می‌خورد و من این را میدانستم. با پاهای کم‌توان و کوچک ... فشار آوردم که جک را جابجا کنم موفق نشدم. بویژه که پایم ... برهنه بود. ناچار از دستانم کمک گرفتم به زحمت کمی جابجا شد، ولی ... قادر به برداشتن آن نشدم. داشتم از ناتوانی خود ناراحت شد... یادم آمد که در جیب پیراهنم یک نصفه تیغ دارم. در آن زمان مدا... تراش در شهر ما بسیار کم بود و همه قادر به تهیه آن نبودند و ... ناچار برای تیز کردن نوک مداد از تیغ استفاده می‌کردند. نصفه تیغ ... از جیب خود بیرون آوردم و شروع کردم بر روی لاستیک نفربر... کشیدن، دستان ضعیف و نصفه تیغ کُند هیچگاه نتوانست لاستیک ... ضخیم و حجیم نفربرها را حتی خراش دهد و چون از این خرابکاری ... نیز نتیجه نگرفتم به خود جرأت‌دادم و پایم را روی لاستیک گذاشتم ... و بالا رفتم و نصفه تیغ را بر روی چادر برزنتی کلفتی که روی کامیون ... کشیده بودند آشنا کردم. هر چه زور زدم برزنت هم پاره نشد ولی تیغ ... در میان دستم شکسته شد و از انگشتانم خون جاری گشت ب... سرعت پائین آمدم و خودم را از آنجا دورکردم و در کنار یک دکان ... نانوائی مقداری خاکستر بر روی زخم ریختم و با ترس و لرز به خانه ... رفتم. خوشبختانه برادرم نبود و به مادرم که نگران تاخیرم بود گفتم ... در بازی دستم زخم شده. بهرحال نتوانستم صدمه‌ای به ماشین ... جنگی دشمن بزنم ولی کینه و نفرت از اجنبی و دشمن متجاوز را از ... همان زمان بدل گرفتم. سالها بعد که بزرگ شدم حسرت می‌خوردم ... که چرا در آنروزهای تاریک مجاهد و سردار تفنگ بدوشی نداشتیم ... که درمقابل دشمن ایستادگی نماید. این را هم دانستم که دشمن با ... دست رضاشاه همه سرداران را نابود کرده است. بوشهر، دلوار، ... تنگستان و دشتی، چغادک، چاه‌کوتاه، دشتستان، کازرون، پلونگ، ... چنار راهدار و شیراز و همه جا برای او امن و امان است. والسلام

## سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به بوشهر



۷ به تصحیح مهدی بازیار

## حکایت ابن الکارمند و خرید نوروز

اندر افسانه‌های کهن پارسی نقل است که چون جمشید شاه طرحی نواز زندگی در انداخت سرما و زمهیر از میان شد بیدن شادمانه سروری برپا کردند انور ابتدای ربیع و آن را نورزگان نام نهادند.

و اندر نوروز همه جا جشن باشدو شادی باشد و پایکوبی باشد و مرغان چهچهه زنند و سرو، عاشقانه برقص درآید و درویش عارفانه به سماع اندر آید و هو کشد و چشمه غل غل مستی بپراکند و رود گریزان سربدامان دشت ساید و دریا از مستی مشت بر سینه کوبد و غزان گردد و کاسب به وجد آید و ابن‌الکارمند نیز «سی تومان» وجه عیدانه به کف گیرد و به بازار شود و انصاف بازاریان را بیازماید ونتیجه هیچ مثبت نبود، ابن‌الکارمند به شروه ناله سردهد.

پس از عمری که سی دولت دویدم
به سی تابرگ ناقابل رسیدم
بود برگ مُ رنگش سوز خضرا
بچنگش آورم با جنگ و دعوا
بگویندم که باشد عید تو
برای خرج باشد بیس بی دو
به بازارش برم تُنبان نگردد
که تَنباک سرقلیان نگردد
خدایا چش کنم؟ با این چه سازم
مگه مُ سِحر گِرُم یا حقه بازم؟

او را روزی به وقت عید به بازار مشاهده بکردم و او سخت پریشان بود و اندر قفای او عیالات بود و اولاد اناث و ذکور و همه آنجها آویزان بود و او را معجزه‌گری اندر می‌پنداشتند که با سی‌تومان عیدانه می‌باید به قله قاف کمند اندر اندازد.

اولادی بفرمود یا ابا مرا باید که پای افزا ابتیاع فرمایی.

ابن‌الکارمند گفت: ایا بنتُنا پای افزار باب خود را می‌بین که چون چیل اِچُو چیل فِچُو دهان باز فرموده و درخمیازه بی‌توقف است با صدهزار و پانصد و نود و نه وصله و پینه و دوخت و دوز آنرا بر سرپای داشته‌ام تا سقف پای و کف پای باشد. برو کفشی قشنگ و رنگین را به خیال آور و بر رقعه برابیض مسوّد کن.

اولادی دیگر بفرمود: ای بابا مرا شلوار بایست. ابن‌الکارمند گفت: یا ابن گرامی بر شلوار بابای نظر انداز که از فرسودگی بکار کهنهٔ دیگ نیاید.

پس عیالات بفرمود: ای شوی بنگر که مدام کهنهٔ طفل شویم وصحن و سرای را جاروکنم، در سنگر مطبخ به طبخ اشتغال دارم و به‌گاه مناسب مرهم زخم تو باشم. کی مرا به البسه‌ای نو ملبس فرمایی؟ مرا توقع سیم و زر و زیور نباشد.

ابن الکارمند گفت: حکایت خود را و ما باز نه تا وقت دیگر پس خاموش باش و لب فرو نه. زوجه بفرمود: هر وقت یه چی ازت خواسیم گفتی ندارم، نپه عامو تو کی داری؟ ابن‌الکارمند راغضب بر ناصیه با دید آمد و بفرمود: ای زن به خیابان نگاه کن و ماشینهای رنگ رنگ می‌بین و ساختمانهای رفیع و شیک. تا آنگاه که ثروت جمعی کلان به حلقوم اندکی خُرد باشد ما نیز ملبس به جامهٔ فقریم. کاسبان را بنگر که انصاف را ذبح کرده‌اندو چون شمیم بهار را به مشام استشمام کنند بهای کالا را فربه سازد تا جیب ما رابه هلاکت نزار گرفتار [illegible] این بنای رفیع و این نردبان کوتاه حقوق ما که به ملاقات درآید.

پس زوجه نیز دم فروبست و به اندر شدند. ابن الکارمند بفرمود کوزه‌ای مهیا ساختند. سی‌برگ اخضر را در کوزه نهاد [illegible] آن ببست و هر روز یک استکان از آن خارج می‌فرمود و [illegible] ابنا و بنات را از آن کوزه بهرمندی می‌ساخت.

### [illegible]موفقیت ورزشکاران دانشگاه آزاد بوشهر

[illegible] تیمهای ورزشی برادران و خواهران دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر در مسابقات قهرمانی شهرستانهای منطقه یک دانشگاه آزاد شرکت کرده و موفق به کسب مقامهایی گردیدند. تیم فوتبال در شهرستان کازرون مقام اول را کسب کرد. تیم بندمینتون [illegible] شهرستان شیراز به کسب مقام دوم نائل شد. تیم دو میدانی در شهرستان شیراز مقام اول را بدست آورد.

---

افشین شفیعی بازیکن جوان فوتبال بوشهر:

## امکان شکوفائی افراد با استعداد در فوتبال بوشهر نیست.



□ لطفاً خودتان را معرفی کنید.

● افشین شفیعی متولد ۱۳۵۴ دیپلم تجربی، مجرد، متولد بوشهر، هم اکنون ساکن چغادک می‌باشم.

□ در چه تیم‌هایی بازی کردید؟

● جوانان پیام چغادک، بزرگسالان پیام، تیم جوانان استان بوشهر، تیم امید استان بوشهر، باشگاه مقاومت بسیج بوشهر، هم اکنون در پیام چغادک حضور دارم.

□ مربیانتان را نام ببرید.

● حسین شفیعی، منتخب جوانان به همراه حاج‌حسین وردیانی، غلامرضا چاهیبخش، جعفر پورکبگانی، یوسف غریب‌زاده، حاج مهدی رضایی.

□ مشوق اصلی شما چه کسی است؟

● خانواده‌ام، بخصوص برادرم حسین شفیعی که دراینجا جا دارد از زحماتشان تشکر و قدردانی بعمل آید.

□ اگر خاطره دارید برایمان تعریف کنید.

● قهرمانی پیام چغادک در لیگ دسته دوم استان در سال ۱۳۷۷ و آقای گل لیگ شدم.

□ چه مقامهایی آورده‌اید؟

● در تیم جوانان استان مقام سوم کشوری، در تیم امید مقام چهارمی کشور و در تیم پیام چغادک قهرمان بخش مرکزی و قهرمان لیگ دسته دوم استان و در تیم پیام مقاومت مقام چهارم بازیهای چاهکوتاه جشنواره بسیج کشور در آبادان.

□ وضعیت فوتبال استان در حال حاضر چگونه می‌باشد.

● با کسب اجازه از پیشکسوتان فوتبال، فکر می‌کنم فوتبال استان به دلایلی که بر همه معلوم است سیر نزولی خود را طی می‌کند و تا کی به نقطه صفر برسد خدا داند با توجه به اینکه فوتبال ما دارای یک پیشینه تاریخی و غنی بوده که این مشکلات باعث فرار استعدادها استان شده است و اکنون امکان شکوفائی افراد با استعداد در فوتبال بوشهر نیست.

□ به غیر از ورزش فوتبال به چه ورزشی علاقه دارید؟

● به ورزش والیبال و تنیس روی میز علاقه دارم.

□ در پایان چه حرفی برای جوانان دارید؟

● با توجه به وظیفه ابتدا خودم و همسن و سالهایم را دعوت می‌کنم به درس خواندن و سپس به ورزش روی بیاورند در پایان از هفته‌نامه نسیم‌جنوب بابت این مصاحبه و بها دادن به ورزش فوتبال تشکر و قدردانی می‌نمایم.

******************************

## با سد معبر مقابله کنید

در اقصی نقاط ایران اسلامی وظیفه شهرداریها بعد از خدمات شهری (حمل زباله) مبارزه با پدیده شوم سد معبر و دست‌فروشان مزاحم می‌باشد. ولی در شهر ما، شهرداری خود متولی و مجری ایجاد سد معبر شده بطور مثال سرتاسر خیابان شهدا و شهید نواب‌صفوی تعداد زیادی گاری دارد و دست‌فروش که به فروش آجیل و غیره مشغولند که محلهای مورد نظر را به اشغال خود در آورده‌اند. ضلع غربی میدان حزّ جنب درب جنوبی پایگاه هوایی و ضلع غربی میدان آزادی تبدیل به بازارچه شده و تعداد زیادی خودرو دست فروش در آن محل بساط کرده که تاکنون چندین بار موجب تصادف شده و خسارات مالی فراوانی به شهروندان واردگردیده است و کسی تاکنون خود را مسئول نمی‌داند. به خودروهای دست‌فروش و گاری‌داران اعتراض که می‌شود اظهار می‌دارند شهرداری به ما مجوز داده. بجاست شهرداری محترم ترتیبی اتخاذ نماید تا محلی را جهت اینگونه افراد در نظر بگیرند و از صدور مجوز که خود خلاف قانون شهرداری است جداً خودداری نمایند.«امضاء محفوظ»

## نتایج مسابقات کاراته قهرمانی کشور

مسابقات کاراته قهرمانی کشور یادواره سرداران شهید استان بوشهر هفته گذشته در سالن دو هزار نفری فجر بوشهر برگزار شد. در این مسابقات ۳۰۰ ورزشکار، داور و سرپرست از ۲۴ استان کشور در رده‌های سنی جوانان، امید و بزرگسالان حضور داشتند. در پایان این مسابقات در رقابتهای کاتای انفرادی جوانان و امید، عمدی منصور از استانهای آذربایجان شرقی اول شد. در رشته کاتای انفرادی بزرگسالان شیخ احمدی، از کردستان مقام اول را از آن خود کرد. در رشته کاتای تیمی جوانان و امید تیمهای آذربایجان شرقی، گلستان و بوشهر مقامهای اول تا سوم را کسب کردند و در کاتای تیمی بزرگسالان نیز تیم آذربایجان شرقی مقام اول را بدست آورد. در روز دوم این مسابقات، رقابتهای کومیته انفرادی جوانان و امید برگزار شد که در پایان در رده سنی ۱۶ سال حسین روحانی از زنجان اول شد. در رده سنی ۱۷ سال نیز جودت اول شد. در رده سنی ۱۸ سال فیاضی از کرمانشاه اول شد. در رده سنی ۱۹ سال کومیته انفرادی نیز مژدهی از هرمزگان اول شد. و بالاخره در رده سنی ۲۰ سال رشته کومیته انفرادی نژادفتح مقدم اول شد.

## توصیه‌های پزشکی

## فرهنگ مصرف دارو ضد دردها (۲)

● دکتر فضل‌الله کشاورزی

اسپیرین سردستهٔ داروهایی است که به داروهای ضددرد غیر مخدر معروف هستند. استفاده از آسپیرین در پزشکی سابقه‌ای بیش از یک قرن دارد و موارد مصرف آن عبارتند از تسکین دردهای خفیف، کاهش تب، کاهش التهابات روماتیسمی مفاصل و پشگیری از لخته شدن خون در عروق کسانی که سابقهٔ سکتهٔ قلبی داشته‌اند. مصرف اسپیرین در کودکان زیر ۱۲ سال حتماً باید با تجویز پزشک صورت گیرد، چراکه در صورت استفاده از آن در بیماریهای ویروسی از قبیل آبله مرغان و آنفلوانزا ممکن است عارضهٔ خطرناکی موسوم به «سندرم ری» در اطفال ایجاد شود که لطماتی را به مغز و کبد آنها وارد می‌سازد. همچنین استفاده از آن در حاملگی (به ویژه سه ماههٔ آخر) ممنوع می‌باشد.

مهمترین عارضهٔ جانبی آسپیرین و داروهای همدستهٔ آن (از قبیل ایندومتاسین، دیکلوفناک، پیروکسیکام، مفنامیک اسیدو...) کمک به ایجاد زخم در دستگاه گوارش است. بنابراین مصرف آن در کسانی که دچار زخم معده یا دوازدهه می‌باشند ممنوع استو همچنین افراد مبتلا به آسم باید آن را با احتیاط زیاد مصرف کنند. در صورت بروز عوارضی از قبیل کهیر، وزوزگوش و تنگی نفس باید مصرف دارو فوراً قطع شود. استفادهٔ دراز مدت و بادوز کم از آسپیرین کمک زیادی به ممانعت از لخته شدن خون در عروق قلبی و مغزی کرده و میزان ابتلاء به سرطان روده را نیز کاهش داده است. البته نیاز به استفاده دراز مدت از آسپیرین را پزشک تعیین می‌نماید، چراکه ممکن است به بروز زخم در دستگاه گوارش منجر شود. ذکر این نکته مفید است که مطالعات اخیر نشان داده‌اند که مصرف همزمان داروهای ضدترشح اسید معده (از قبیل سایمتیدین و ورانیتیدین) با آسپیرین، نقشی در کاهش ابتلاء به زخم گوارشی نداشته است.

## ورزش بوشهر به کجا می‌رود؟

طی یکسال و نیم گذشته تعداد قابل توجهی از پرسنل اداره کل تربیت‌بدنی استان به بهانه‌های مختلف به استانهای دیگر منتقل گردیده که در بین آنها افرادی با مدارک تحصیلی فوق‌لیسانس، لیسانس و فوق‌دیپلم در رشته تربیت‌بدنی و علوم‌ورزشی به چشم می‌خورد. در جایی که به دلیل کمبود شدید نیروی انسانی متخصص اداره کل تربیت بدنی استان بوشهر برای چرخاندن چرخ ورزش دائماً دست به دامن ادارات دیگر می‌گردد، از دست دادن نیروهای متخصص چه معنی دارد؟ و براستی برای اداره ورزش چه کسانی را دلسوزتر از کارکنان خود اداره تربیت‌بدنی می توان یافت؟

از آنجا که اداره کل تربیت‌بدنی استان در پاسخ به مطبوعات ید طولانی دارد مرحمت فرموده بفرمایند اولا چند درصد از مسئولین اداره تربیت‌بدنی از کارکنان رسمی بوده و بطور تمام وقت در خدمت ورزش می‌باشند؟ ثانیاً چند درصد از این سروران دارای تحصیلات عالی می‌باشند؟(تحصیلات تخصصی پیش‌کش) امضاء محفوظ

# رقابت مستقل‌ها و گروهها، چه کسی برنده شد؟!

## نگاهی به نقش گروههای سیاسی و ائتلاف گروهها در انتخابات شورای اسلامی شهر بوشهر

انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، بعد از بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از نتایج مثبت دولت دوم خرداد است. بی‌شک این انتخابات عوارض مثبت بسیاری دارد که در آینده مشخصتر خواهد شد. اما برگزاری خود این انتخابات نیز حائز نکات قابل توجه‌ای است که جا دارد تا به آن پرداخته و به دیده عبرت و بازنگری یک تجربه به آن نگریست.

از جمله نکات قابل توجه این انتخابات، شرکت گسترده مردم در هنگام ثبت‌نام داوطلبین و در نتیجه حجم انبوه نامزدهای انتخاباتی بود که خوشبختانه در استان بوشهر نیز این امر نشان از استقبال مردم برای مشارکت در تعیین حق حاکمیت خویش دارد. گرچه حضور نامزدهای زیاد موجب بروز مشکلاتی نیز گردید، ولی نتیجه مثبت آن مشارکت وسیع مردم از قشرها و صنفهای گوناگون در انتخابات است، از طرفی عدم وجود نظارت استصوابی در این انتخابات، انتخاب بهتر و آزادتری را برای رأی‌دهندگان فراهم آورد. از نکات قابل توجه دیگر شرکت تشکلهای گوناگون با سلیقه‌های مختلف سیاسی در این انتخابات بود بطوریکه تنها در شهر بوشهر حدود ۱۵ گروه، انجمن مختلف اقدام به انتشار لیست و معرفی کاندیدا نمودند.

در شهر بوشهر حدود ۸ لیست از سوی گروهها و انجمنها منتشر شد که عبارت بودند از:

۱ـ ائتلاف گروههای خط امام (شامل مجمع پیروان خط امام ـ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی ـ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خلیج‌فارس، انجمن اسلامی جامعه پزشکان، انجمن اسلامی مهندسان، کانون هماهنگی شورای اسلامی کارگران، خانه کارگر، انجمن جوانان) ۲ـ حزب کارگزاران سازندگی، ۳ـ انجمن اسلامی معلمان بوشهر. ۴ـ جبهه مشارکت ایران اسلامی ۵ـ ائتلاف جمعی از فرهنگیان و دانشگاهیان هوادار مشارکت مردم و حاکمیت قانون ۶ـ سازمان نظام مهندسی ‎-۷ ائتلاف جمعی از هنرمندان. ۸ـ کاندیداهای شهرساز شهر بوشهر.

اما نکته غیرقابل انتظار در شهر بوشهر عدم استقبال نیمی از مردم از انتخابات شوراها بود که باعث شد آراء به شدت کاهش بیابد. در شهر بوشهر ۴۸۶۵۷ نفر در انتخابات شرکت نمودند که تقریباً ۴۹ درصد حائزین رأی‌دهندگی را شامل می‌شده است.

نکته غیرقابل انتظار دیگر عدم استقبال رأی‌دهندگان از تشکیلات و گروههای سیاسی و غیرسیاسی بود که اقدام به معرفی کاندید نموده بودند، که این خود نیز جای بحث فراوان دارد.

در مجموع ۴۸۶۵۷ نفر در شهر بوشهر در انتخابات شورا شرکت نمودند. هر کدام از شرکت‌کنندگان می‌توانستند به ۷ نفر از کاندیداهای مورد نظر رأی دهند. مجموع نفراتی که شرکت‌کنندگان در برگهای آراء خود نوشتند ۲۳۵۶۰۵ نفر می‌باشد بعبارت دیگر بطور متوسط هر نفر از شرکت‌کنندگان در انتخابات شهر بوشهر به ۵ نفر رأی داده است (رقم دقیق آن ۴/۸ نفر می‌باشد)

در بین گروهها و انجمنهائی که اقدام به معرفی کاندید نموده بودند، ائتلاف گروههای خط امام امیدوارتر از بقیه بوده. این امیدواری چندان خوشبینانه نبود چراکه لیست آنها تنها حدود ۲۵ هزار رأی را از میان ۲۳۵ هزار رأی بخود اختصاص داد که حدود ۱۱ درصد از کل آراء افراد را شامل می‌شد. این گروه در یک اقدام عجیب به جای لیست ۷ نفره، اقدام به معرفی ۱۱ نفر کرده بود، بعدها گفته شد که این امر بخاطر اختلاف در برگزیدن ۷ نفر اصلی بوده و این گروه در اقدام غیرمتعارف ۱۱ نفر را معرفی نموده است، این کار بعد از گروههای همخوان این ائتلاف تکرار شد. انتشار پوسترهای تبلیغاتی این گروه که بسیار ضعیف و کم‌تأثیر بود باعث ناراحتی بسیاری از داوطلبین دیگر را که انتظار قرار گرفتن در این لیست را داشتند به همراه داشت. ناراحتی که بعد از انتخابات بیهوده به نظر می‌رسید. برخی از افراد لیست این گروه که شامل «پولادی‌ریشهری، دوانی، بصری، بختیاری‌آزاد، مسلم موحد، حاجیانی‌بوشهریان، محمد کمالی، محبی، جمال جلالی، جاشوئی و تودمی» بود بعدها از طرف گروههای مختلف وحتی مخالف با گروههای خط امام نیز معرفی شدند و بدین ترتیب بطور طبیعی از انحصار این گروه خارج شدند. اما کاندیداهای اختصاصی، ائتلاف گروههای خط امام (گرچه برخی از آنان در گروههای همراه نیز دیده شد) توانستند در مجموع ۱۴۶۳۳ رأی را به خود اختصاص دهند که ۶/۲ درصد کل آراء نفرات داوطلب می‌باشد. اما از آنجا که برخی گروهها بیش از تعداد مورد نیاز کاندید معرفی نمودند، برای مقایسه باید به میانگین آراء نفرات موجود در لیست مراجعه نمود. میانگین آراء کاندیداهای ائتلاف گروههای خط امام ۲۳۲۶ رأی بود، بعبارتی هرکدام از افراد این لیست بطور متوسط ۲۳۲۶ رای را بدست آورده‌اند. میانگین کاندیداهای خاص این ائتلاف ۲۴۳۹ رأی می‌باشد.

انجمن اسلامی معلمان نیز که اقدام به انتشار یک لیست مخصوص به خود در این انتخابات نموده بود نیز نتوانست حتی نظر معلمان را به سود خود جلب کند. لیست این گروه عبارت بودند از «دوانی، مسلم موحد، شیخ‌سقا، بصری، محمدکاظم محمدی‌باغملائی، شکوهی و حسام‌زاده» در مجموع این لیست بر روی هم ۱۷۷۴۸ رأی را بدست آورد که تنها ۷/۵ درصد کل آراء نفرات داوطلب می‌باشد. کنار گذاشتن افرادی از حیطه آموزش و پرورش در میان داوطلبین که همسو با جبهه دوم خرداد نیز بودند، از این لیست جای تأمل داشت.

حزب کارگزاران سازندگی استان بوشهر نیز از جمله گروههائی بود که اقدام به معرفی کاندید نمود. تبلیغات این حزب که معمولاً از بنیه مالی قوی برخوردار می‌باشد، بسیار کمرنگ بود. نامزدهای این لیست عبارت بودند از: «پولادی‌ریشهری، بختیاری‌آزاد، تودمی، جاشویی،

| میانگین آراء هرکاندید | درصد آرا بدست آمده | کل آراء | گروه |
|---|---|---|---|
| ۲۳۲۶ | ۱۰/۹ | ۲۵۵۸۲ | ائتلاف گروههای خط امام شامل: مجمع پیروان خط امام استان بوشهر ـ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ـ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خلیج فارس ـ انجمن اسلامی جامعه پزشکان بوشهر ـ انجمن اسلامی مهندسان بوشهر ـ کانون هماهنگی شوارای اسلامی کارگران ـ خانه کارگر تشکیلات بوشهر انجمن جوانان بوشهر |
| ۲۴۳۹ | ۶/۲ | ۱۴۶۳۳ | کاندیداهای اختصاصی ائتلاف گروههای خط امام |
| ۲۴۶۳ | ۱۱/۵ | ۲۷۰۹۴ | حزب کارگزاران سازندگی |
| ۲۲۲۲ | ۶/۶ | ۱۵۵۵۴ | کاندیداهای اختصاصی کارگزاران سازندگی |
| ۲۹۰۰ | ۱۳/۵ | ۳۱۹۰۳ | جبهه مشارکت اسلامی |
| ۳۱۳۹ | ۹/۳ | ۲۱۹۷۰ | کاندیداهای اختصاصی جبهه مشارکت اسلامی |
| ۲۵۳۵ | ۷/۵ | ۱۷۷۴۸ | انجمن اسلامی معلمان |
| ۳۲۹۹ | ۹/۸ | ۲۳۰۹۰ | ائتلاف جمعی از فرهنگیان و دانشگاهیان هوادار مشارکت مردم و حاکمیت قانون |
| ۲۹۹۵ | ۸/۹ | ۲۰۹۶۶ | سازمان نظام مهندسی |
| ۱۹۴۰ | ۵/۸ | ۱۳۵۷۹ | ائتلاف کاندیداهای شهرساز شهر بوشهر |
| ۸۹۳ | ۲/۳ | ۵۳۵۶ | ائتلاف جمعی از هنرمندان |

محمدجمال جلالی، حاجیانی بوشهریان، دوانی، فرخی‌پور، محبی، محمد کمالی و مسلم موحد». کاندیداهای حزب کارگزاران سازندگی در مجموع ۲۷۰۹۴ رأی را به خود اختصاص دادند که ۱۱/۵ درصد کل آراء افراد داوطلب می‌باشد. آراء کاندیداهای اختصاصی کارگزاران سازندگی ۱۵۵۵۴ رأی بود که ۶/۶ درصد کل آراء داوطلبین را شامل می‌شود.

جبهه مشارکت ایران اسلامی نیز در این انتخابات بسیار ضعیف عمل نمود. سه نفر اعضای اصلی این حزب در بوشهر بعد از گذشت ۳ روز، تازه به توافق درباره یک لیست تقریباً تکراری رسیدند. این لیست عبارت بودند از «بختیاری‌آزاد، جاشویی، حاجیانی بوشهریان، حسام‌زاده، محمدکمالی، فرخی‌پور، محبی، مسلم موحد،دمشقی و غریبی» این لیست توانست ۳۱۹۰۳ رأی را به خود اختصاص دهد که ۱۳/۵ درصد کل آراء داوطلبین بود. اما کاندیداهای اختصاصی جبهه مشارکت ایران اسلامی توانستند ۲۱۹۷۰ رأی را که ۹/۳ درصد کل آراء داوطلبین است بخود اختصاص دهند. تبلیغات




این جبهه تازه وارد نیز علیرغم مرکز، بسیار ضعیف و غیرمحسوس بود و پوستر آنان در میان انبوه پوسترها چندان به چشم نیامد.

در انتخابات شهر بوشهر ائتلافی نیز تحت عنوان «ائتلاف جمعی از فرهنگیان و دانشگاهیان هوادار مشارکت مردم و حاکمیت قانون» اقدام به انتشار لیست و چاپ پوستر نمود. اعضای این ائتلاف عبارت بودند از: «خلیل موحد، پولادی ریشهری، بصری، مسلم موحد، شیخ‌سقا، بختیاری‌آزاد، جهان‌افروزیان» این هفت نفر در مجموع توانستند ۲۳۰۹۰ رأی را به خود اختصاص دهند که ۹/۸ درصد کل آراء داوطلبین بود. این ائتلاف نیز تبلیغات ضعیفی داشتند و پوسترهای چاپ شده با کیفیت بسیار پائین، کمتر نظری را به سوی خود جلب کرد.اما افراد این ائتلاف در مجموع توانستند بیشترین میانگین آراء را از آن خود کنند. بطور میانگین هرکدام از اعضاء این لیست ۳۲۹۹ رای را از آن خود کردند.

سازمان نظام مهندسی استان بوشهر نیز از جمله گروههائی

**پیروزی زنان در انتخابات خصوصاً در مناطق مختلف استان بوشهر نشان از تغییر نگرش جامعه نسبت به نقش زنان در فعالیتهای سیاسی ـ اجتماعی دارد. شوراها عرصه مناسبی برای فعالیت زنان است تا در آن تجربه اندوخته و خود را برای وارد شدن در رقابت های جدی آماده نموده و جایگاه اصلی خود را در تصمیم گیری‌های جامعه بدست آورند.**

بود که اقدام به معرفی لیست نمود. در لیست آنان «پولادی‌ریشهری، حاجیانی‌بوشهریان، جمال جلالی، محمدکاظم محمدی، فرشته محمدی، خلیل موحد و مسلم موحد» به چشم می‌خورد. این افراد نیز موفق شدند ۲۰۹۶۶ رأی را به خود اختصاص دهند که ۸/۹ درصد کل آراء داوطلبین را شامل می‌شد.

ائتلاف جمعی از هنرمندان نیز با شعار شکافتن سقف و انداختن طرحی نو به معرفی نامزد پرداخت: « دهباشی، آب‌آذر، قربانی، امیری، قاضی‌زاده و بوشهری‌سنگی» هنرمندان این لیست بودند. این عده در مجموع ۵۳۵۶ رأی را بدست آوردند که ۲/۳ درصد از کل آراء داوطلبین را شامل می‌شد.میانگین برای هر نفر از اعضای این لیست ۸۹۳ رای بود.

ائتلاف «کاندیداهای شهرساز شهر بوشهر» نیز متشکل از ۷ متخصص در حالی پای به انتخابات شوراها گذاشت که تصمیم داشتند شهر بوشهر را بر روی اصول مهندسی نوسازی کنند.

«جمال جلالی ، محمد جمالی ، کاظم محمدی ، حاجیانی بوشهریان ، کریمیان ، محمد مهدی محمدی و بصری » در این لیست به چشم می‌خوردند.

این عده در مجموع ۱۳۵۷۹ رأی را بدست آوردند که ۵/۸ درصد کل آراء داوطلبین بود.

در نهایت ۷ نفر بنامهای الله کرم پولادی ریشهری، احمد گزی، عبدالرحمن پورمحمد تنگستانی، رباب عبیدی، سید حسن موسوی، محمد دمشقی و محمد دوانی بعنوان شورای شهر بوشهر انتخاب شدند. از این افراد پولادی در اکثر ائتلافات حضور داشت و نمی‌توان انتخاب او را به حساب گروهی خاص گذاشت. محمد دوانی از سوی گروههای خط امام، کارگزاران سازندگی، انجمن اسلامی معلمان و جبهه مشارکت ایران اسلامی کاندید شده بود. محد دمشقی نیز تنها چهار روز مانده به انتخابات از سوی جبهه مشارکت ایران اسلامی معرفی شد. احمد گزی، عبدالرحمن پورمحمد تنگستانی، رباب عبیدی و سید حسن موسوی بطور مستقل کاندید شده بودند.

پرونده حضور گروههای سیاسی بوشهر در اولین حضور چشمگیر آنان در انتخابات آیا موفق است ؟!

در انتخابات شوراها حضور زنان بسیار چشمگیر بود. در شهر گناوه و اهرم خانم معصومه شادزی و خانم مرضیه اخ... بیشترین آراء را به خود اختصاص دادند و به عنوان نفر اول برگزیده شدند. در شهر برازجان سه نفر از خانمها به نامهای طاهره لهسائی ، فاطمه ارشدی و معصومه فخرائی به عضویت شوراها درآمدند و در شهر بوشهر نیز از میان ۱۶ داوطلب زن، رباب عبیدی به انتخاب شورا درآمد. پیروزی زنان در انتخابات خصوصاً در مناطق مختلف استان بوشهر بسیار قابل توجه است. این امر نشان از تغییر نگرش جامعه نسبت به نقش زنان در فعالیتهای سیاسی ـ اجتماعی دارد. شوراها عرصه مناسبی برای فعالیت زنان است تا در آن تجربه اندوخته و خود را برای وارد شدن در رقابت های جدی سیاسی و اجتماعی آماده نموده و جایگاه اصلی خود را در تصمیم گیری‌های جامعه بدست آورند.

اما در شهر بوشهر گرچه یک نفر از زنان به انتخاب شورا درآمد ولی در مجموع زنان شرکت‌کننده در انتخابات چندان با ورود زنان درشورای شهر بوشهر موافق نبودند، چرا که ۱۶ زن داوطلب در مجموع تنها توانستند ۲۱۹۱۳ رأی را بدست آورند. از این تعداد رأی تنها ۹/۳ درصد کل آراء داوطلبین را شامل می‌شد.

بالا بودن کاندیداهای شهر بوشهر گرچه نشان از اشتیاق اقشار مختلف برای مشارکت فعال در امور اجتماعی و سیاسی داشت اما در میان آنان افراد بسیاری نیز بودند که مشخص نیست بر اساس چه امیدواری خود را کاندید نموده بودند. تعداد بسیار کم آراء آنان، شاید زنگ هشداری باشد برای اینکه چندان نباید به وعده و وعید اطرافیان و قول و قرارهای دوستان در امر انتخابات توجه نمود. جالب است که بدانیم ۶... نفر از کاندیداهای شهر بوشهر هر کدام حتی نتوانستند یک درصد آراء را بدست آورند و با یک نگاه دیگر، ۸۳ نفر از کاندیداهای، هر کدام توانستند در نهایت تنها کمتر از ... درصد از آراء را بخود اختصاص دهند.

البته به دلیل تعداد زیاد داوطلبین، آراء به شدت پخش شدند بطوریکه نفر اول شورا، ۱۸ درصد از کل آراء را بخود اختصاص داد. نفر دوم ۱۵ درصد و نفر سوم نیز ۱۴ درصد آراء را به خود اختصاص دادند. نفر چهارم ۱۳ درصد، نفر پنجم و ششم ۱۲ درصد و نفر هفتم نیز تنها ۱۰ درصد آراء را به خود اختصاص داده‌اند.

بطور میانگین به هر کدام یک از کاندیداها، ۱۳۷۸ رأی تعلق می‌گیرد و بعبارتی دیگر ۱۱۰ نفر از کاندیداها زیر میانگین رأی بدست آورده‌اند.

تشکیل شوراها را باید یک تمرین مهم مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی دانست. این تجربه گرانبها را باید به دیده عبرت نگریست، تلاش کرد تا ضعفهای آن را از میان برد و نکات قوت آن را تقویت نمود. انتخابات شوراها موفقیتی بزرگ برای دولت خاتمی است، موفقیتی که امیدواریم میوه‌های شیرینی به همراه داشته باشد.

**نسیم جنوب**

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور

مدیرمسئول و سردبیر: یونس فیصی‌زاده

مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنچاری

مدیر فنی: حسین ابوالحسنی

چاپ و لیتوگرافی : چاپخانه علوی بوشهر ، خیابان شهید جیفری ـ تلفن ۲۷۷۹۷

آدرس : بوشهر، روبروی استانداری

دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب

تلفن : ۳۳۴۴۶ صندوق پستی : ۹۹

- نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
- مطالب فرستاده شده بازگردانده نمی‌شود
- مقالات درج شده با امضاء اشخاص ، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست .